

- ۳ دست خویش را علیه ملل بیگانه^۱ بلند کن
تا آنان قدرت تو را ببینند.
- ۴ همچنان که تقدس خویش را که در میان ما کار می کند به آن ها نشان داده ای^۱،
همچنین عظمت خود را که در میان آن ها فعال است به ما نشان ده
- ۵ تا آنان تو را همان گونه که ما شناخته ایم بشناسند
که غیر از تو ای خداوند، خدایی نیست.
- ۶ نشان ها را تازه کن و شگفتی های را تکرار نما.
۷ دست خویش و بازوی راست خود را جلال ده.
- ۸ غضب خود را بیدار کن و خشم خویش را پراکنده ساز.
۹ خصم را از ریشه برکن و دشمن را نابود گردان.
- ۱۰ زمان را به شتاب وادار و از زمان مقرر^k یاد آور
تا کارهای بزرگ تو را ذکر نمایند^۱.
- ۱۱ تا به آتش خشم، بازماندگان بسوزند
و کسانی که با قوم تو بد رفتارند نابود شوند.
- ۱۲ سر رؤسای دشمنان^m را درهم شکن
که می گویند: «کسی چون ماⁿ نیست!»
- ۱۳ تمام قبایل یعقوب را گرد آور^o.
- ۱۴ میراث آنان را چون آغاز^p تقسیم کن.
- ۱۷ خداوندا بر قومی که به نام تو خوانده می شود،
بر اسرائیل که نخست زاده آفریده ای^q، رحم کن.

مز:۷۹:۶

ثت ۳۹:۳۲

۱-توا:۱۷:۲۰

مز:۷۹:۶

i- عبری: اقوام بیگانه، که مطلقاً معلوم نیست منظور چه کسانی بوده اند.
j- خدا که قدوس مطلق است (ر.ک. اش ۳:۶) هیچ گونه تقدس اضافی را نمی توان درباره وی قائل شد. او با نشان دادن این که بیگانه خدای قدوس است، خود را تقدیس می کند. با عقوبت اسرائیلیان، جلال خود را به ملل بیگانه نشان می دهد. این اصطلاح معادل اصطلاح دیگری است که با آن توازی دارد: نشان دادن جلال خود (ر.ک. حزق ۲۲:۲۸؛ ۲۳:۳۸). این موضوع در آیات بعد با وضوح بیشتری نشان داده شده است.
k- عبری: آخرت را تعجیل فرما. آخرت (عبری) معادل زمان (یونانی) است، زمان مقرر برای اعاده نظم توسط خدا که دشمنان قوم خود را می زند (دان ۳۵:۱۱). این زمان که بی صبرانه در انتظارش هستند توسط خدا مقرر و معین شده است (ر.ک. مز ۷۵:۳). در نسخ یونانی به جای زمان مقرر، سوگند آمده است.
l- این مصرع و دو مصرع آتی از متن یونانی، فقط به واسطه واژه های: زیرا چه کسی تو را خواهد گفت: «چه می کنی؟» با متن عبری هم خوانی دارند که عبارتی برای سرزنش است (ر.ک. اش ۹:۴۵؛ ایوب ۹:۱۲؛ جا ۴:۸). متن یونانی به خاطر احترام به خدا متن عبری را تفسیر کرده است.
m- عبری: سر رسای مواب. اشاره به متن اعد ۱۷:۲۴ که در عبری صراحت دارد ولی مترجم یونانی بخشی از آن را حذف کرده است.

n- تحت اللفظی: کسی جز ما نیست. عبری: کسی جز من نیست، ر.ک. اش ۴۷:۱۰.

o- با این آیه، جابه جایی دو دفتر نسخه یونانی پایان می گیرد (ر.ک. پیشگفتار).

p- عبری: مانند ایام گذشته. آرزویی که در اینجا بیان شده در ادبیات یهودی به ویژه در آئین نیایشی آن همیشه پابرجا بوده که هدف غائی آن تصرف و تملک سرزمین اسرائیل است.

q- تحت اللفظی: مشابه نخست زاده آفریده ای. عبری: که تو فرا خوانده ای، ر.ک. خروج ۴:۲۲.

خروج ۱۵-۱۷؛
منز ۱۴:۱۳۲

- ۱۸ به شهر مقدس خود،
به اورشلیم، مکان آرامش تو، مرحمت داشته باش.
۱۹ صهیون را از روایات اعمال سرشار گردان
و معبد^t خود را از جلالت مملو بساز.
۲۰ بر آنانی که از ابتدا آفریده‌ای^s شهادت ده
و نبوت‌هایی را که به نام تو بیان شده به تحقق رسان.
۲۱ به منتظران خود پاداش ایشان را بده
و انبیای تو را راستگو ببیند.
۲۲ خداوندا، نیایش بندگانت را که به [درگاه] تو نیایش می‌کنند
بر حسب خیرخواهی^t که به قوم خود داری مستجاب گردان،
تا همه ساکنان زمین بدانند
که تو خداوند، خدای قرن‌ها هستی.

تشخیص و تمییز

- ۲۳ معده هر نوع غذایی را جذب می‌کند
اما غذایی هست که از بقیه بهتر است.
۲۴ همچنان که کام گوشت شکار را از مزه اش می‌شناسد،
دل باهوش نیز سخنان دروغ را.
۲۵ قلب ناراست موجب غم باشد،
مرد با تجربه، عوض آن را باز پس می‌دهد^u.

انتخاب زن

- ۲۶ زن، هر مردی را به شوهری می‌پذیرد
اما دخترانی هستند که بهتر از دختران دیگر^v می‌باشند.
۲۷ زیبایی زن، چهره را شاداب می‌سازد
و تمامی امیال مرد^w را سیراب می‌گرداند.

t- برابر متن عبری کلمه laon (قوم) را باید به naon (معبد) اصلاح نمود.
s- تحت اللفظی: نخستین آفریدگان. ربی‌ها اسرائیل را یکی از شش مخلوق پیش از آفرینش جهان می‌دانستند (Genese Rabba 1,4: تفسیر پیدا: ۱).
t- در اکثر نسخ یونانی: برکتی که هارون مکرر می‌داد.
u- هنوز از دیدگاه انجیلی بسیار دور هستیم که به جای بدی باید خوبی کرد و حتی دشمن خود را دوست داشت (ر. ک. لوقا: ۲۷:۶). البته بن سیراخ در این جا فقط به ملاحظه ای اکتفا می‌کند.
v- مصرع دوم این آیه با مصرع اول آن همخوانی ندارد بلکه در متن عبری و نیز در متن سریانی خلائی وجود دارد. در ترجمه ای از متن عبری آمده است: اما زنان زیباتری هستند، که به جای بهتر آمده است. برابر متن حاضر زن اختیار انتخاب ندارد در حالی که مرد همیشه قادر به انتخاب است.
w- عبری: چشمان را سیراب می‌گرداند.

- امت ۴:۱۵ ۲۸ اگر بزبانش نیکی و حلاوت باشد ،
شوهرش را نباید جزو افراد عادی به شمار آورد^x.
۲۹ هر که زن بگیرد آغاز^۱ اقبالش باشد،
پاوری همانند خویش و ستونی برای تکیه.
۱۸:۲ پید ۳۰ هر جا حصار نباشد، ملک به باد رود
و هر جا زن نباشد، مرد ناله کنان و بی هدف می گردد^z.
۳۱ چه کسی به راهزنی چابک اعتماد کند،
که از شهری به شهری می جهد؟
این چنین باشد مردی که آشیانه ندارد
و شب هر جا که پیش آید می خسبد.

دوست راستین و دروغین ۱۷-۵:۶

- ۳۷^۱ هر دوستی می گوید: «من نیز دوست هستم»،
اما دوستی هست که فقط عنوانش دوست است.
۲ آیا غمی جانکاه^a نیست ،
وقتی که رفیق یا دوست^b تبدیل به دشمن می شوند؟
۱:۶ ۳ ای امیال بد^c! از کجا برای پوشاندن سراسر زمین شکل گرفته ای^d؟
۴ رفیق با خوشحالی دوستش شادی می کند
اما به هنگام مصیبت، بر ضد اوست^e.
۵ به خاطر یک لقمه^f، رفیق با دوست خود درد می کشد ،

- x- تحت اللفظی: مانند پسران آدم نیست. عبری: از زمره پسران آدم مباش. بن سیراخ در عین حال که از زن خوش خلق و نیکو صفت تمجید می کند از کمبود چنین زن هائی متأسف است.
y- عبری: هم به معنای آغاز و هم به معنای اوج.
z- اشاه به پید^{۴:۱۲}. قائن که ناله کنان سرگردان بود نمونه مرد محروم از زن است.
a- درحد مرگ یا آنچه مرگ را قریب الوقوع می سازد.
b- در عبری: منطبق با روح تو.
c- تمایلات پلید (ر.ک. ۱۴:۱۵ توضیح، که در آنجا تمایلات، پلید نیستند) در ادبیات ربی ها اهمیت زیادی دارد و جزء جدایی ناپذیر سرشت پلید انسانی است که آدمی را به سوی گناه می راند (ر.ک. پید^{۵:۶}). با وجود این ممکن است در اینجا منظور نیات نکوهیده و بد انسان باشد که به دوست خود خیانت می ورزد.
d- ساختار این جمله در متن عبری متفاوت است: وای بر پلید (یا: بر دوست) که می گوید: برای چه به وجود آمده ام؟ (شکل گرفته ام) که با مضمون پیشین بسیار متناسب است اما بسیاری از مفسرین آن را ناقص می دانند در حالی که آغاز جمله در یونانی به متن اصلی وفادار است. متون عبری، لاتین و سریانی با هم بر فعل آفریدن توافق دارند. در مورد فعل شکل گرفتن جمله یونانی نیز مخدوش است مگر آن که نخواستنه باشد تصویر کوزه گر که شیئی را با چرخاندن شکل می دهد القاء کرده باشد که در ترجمه نیز ما از فعل شکل گرفتن استفاده کرده ایم. ضمناً ممکن است این موضوع نیز مطرح بوده باشد که شاید متن یونانی برای آن که نخواستنه خلقت بد را به خدا نسبت داده باشد مطلب را این چنین نوشته است.
e- عبری: چه پلید است آن دوستی که زیر چشمی سفره را می پاید و به هنگام نداری خود را کنار می کشد.
f- تحت اللفظی: به خاطر ارضای معده اش. عبری: دوست خوب علیه دشمن می جنگد. درحالی که در متن یونانی آمده: دوست دروغین فقط در اندیشه آن است که پشت سپر خود را مخفی کند.

اما در هنگام نبرد سپر خویش را برمی گیرد!
 ۶ دوستت را در قلب^g خویش فراموش مکن
 و یاد وی را در روزهای اقبال خویش، به فراموشی مسپار^h.

امت ۱۰:۲۷

مشاور خوب و مشاور بد

۷ هر مشاور، مشورت خویش را تحسین می کند،
 اما مشاور هست که به خود می اندیشد.
 ۸ با مشورت دهنده مراقب باش،
 و از پیش بدان به چه نیاز دارد،
 مبادا امور را به نفع خویش ترتیب دهد
 و قرعه را به نام تو بزند،
 ۹ تا به تو نگوید: «کارت درست است»،
 و سپس از دور منتظر بماند تا ببیند چه می شود.
 ۱۰ با آن کس که زیر چشمی تو را می نگرد مشورت مکن
 و تدابیر خویش را از کسانی که به تو حسادت می ورزند مخفی دار.
 ۱۱ با زن درباره رقیبش مشورت مکن،
 با بزدل درباره جنگ،
 با بازرگان درباره داد و ستد،
 با خریدار درباره فروش،
 با بخیل درباره حق شناسی،
 با خودخواه درباره نیکوکاری،
 با کاهل درباره هر کاری،
 با مزدور سالانه درباره پایان کارⁱ،
 با خدمتکار سربه هوا درباره نیاز مبرم،
 بر این افراد در هیچ مشورتی تکیه مکن^j.
 ۱۲ اما بکوش در کنار مرد پرهیزکار^k باشی
 که می دانی احکام را رعایت می کند،
 روحش شبیه روح تو است^l.

امت ۱۴:۲۰

g- واژه عبری می تواند هم به معنی قلب و هم به معنی جنگ باشد.
 h- عبری: و به وقت تقسیم غنائم وی را ترک منما. هر دو صورت آیه در متن عبری با هم همخوانی دارند.
 i- عبری: درباره محصول بذر (ر.ک. ایوب:۳۸:۲۷)، یا درباره مصرف بذر، یا درباره بذرافشانی.
 j- دو مصرع آخر این آیه در متن عبری وجود ندارد.
 k- عبری نسخه D: اما با مردی که همواره می ترسد (مشورت کن): ر.ک. مز:۲۸:۱۴. در کتاب امثال اصطلاحی استثنائی وجود دارد که شاید معنایش بیشتر ترس از گناه است تا ترس از خدا. در اینجا احتمالاً بیشتر منظور ترس از خدا است.
 l- یا: امیالش به تو می ماند (روح او مانند روح توست)، یا: قلبش جوا بگوی امیال توست (ر.ک. مز:۲۰:۵).

و اگر درمانده شوی با تو رنج می کشد.
 ۱۳ همچنین به رأی دل خود به شدت پای بند باش،
 زیرا هیچ کس بیش از او به تو وفادار نیست.
 ۱۴ روح آدمی گاه عادت به باخبر شدن دارد^m
 که بهتر از هفت^o کشیکچی بر بلندی هاست.
 ۱۵ علاوه بر همه این ها، از باری تعالی درخواست کن
 تا گام های تو را به راه راست هدایت فرماید.

امت ۱۶:۹

حکمت راستین و دروغین

۱۶ آغاز هر کاری مذاکره^p باشد،
 و پیش از هر اقدامی، اندیشه.
 ۱۷ ریشه اندیشه ها دل است^q
 ۱۸ که از آن چهار شاخه می روید:
 نیکي و بدی، مرگ و زندگی،
 و آنچه از سلطه جویی بر آن ها باز نمی ایستد زبان است!
 ۱۹ مردی هست که ماهر است زیرا بسیاری از مردم را تعلیم می دهد،
 درحالی که برای خود به هیچ دردی نمی خورد.
 ۲۰ هر که به سخنان خود را حکیم می نماید، نفرت انگیز می شود،
 و چنین کسی از همه مائده ها^r محروم می ماند.
 ۲۱ در واقع لطف خدا شامل حال وی نشده^s،
 زیرا که عاری از هر گونه حکمت است.
 ۲۲ کسی هست که برای خود^t حکیم است
 و میوه های هوشمندی اش شایسته اعتماد^u.
 ۲۳ مرد حکیم قوم خویش را تعلیم می دهد

تث ۳۰:۱۵
امت ۱۸:۲۱

۹:۱۸

- m - تحت اللفظی: گاه عادت به خیر دادن دارد. این آیه وضع رضایت بخشی در نسخه یونانی ندارد. آیات ۱۳-۱۴ توصیه می کند که باید مراقب داوری خاص خود بود زیرا وفاداری اش آزموده شده است.
- n - (در متن TOB از قلم افتاده است).
- o - عدد کامل. منظور از هفت کشیک چی، بیداری و هوشیاری است که امکان ندارد غافلگیر شود. ر.ک. امت ۲۶:۱۶، مضمونی یکسان اما مشورتی متفاوت.
- p - تحت اللفظی: سخن. متون عبری و یونانی با پذیرفتن واژه ای که در فارسی «مذاکره» ترجمه کرده ایم معادل «استدلال» را رد می کنند.
- q - متن یونانی مشکل و مبهم است. شاید بتوان این گونه ترجمه کرد: در اثر (از راه) تغییر دل چهار بخش نشات می گیرد. ترجمه دیگری که در آن قلب مضاف الیه باشد بدین صورت است: از قلب متغیر، چهار پاره ظاهر می شود.
- r - در نسخه عبری: مائده های لذیذ.
- s - ر.ک. آیه ۲۰. این آیه در نسخ عبری و سریانی وجود ندارد.
- t - تحت اللفظی: برای روح خود، که ممکن است به این معنی باشد: در نظر خود.
- u - تحت اللفظی: برای تن خود. زیگلر بر اساس نسخه عبری به این تصحیح معتقد است. یونانی: دهانش که شایسته اعتماد است (بر حسب آنچه می گوید).

و میوه های هوشمندی اش اعتماد می بخشد.^۷
 ۲۴ مرد حکیم لبریز از برکات است
 و هر که وی را ببیند سعادت مندش می خواند.
 ۲۵ زندگانی آدمی روزهایی معدود دارد
 اما روزهای اسرائیل بی شمار باشد.
 ۲۶ حکیم در میان قوم خود وارث اطمینان^w است
 و نامش جاودانه زنده ماند.

میانه روی

۲۷ ای فرزند برای نظم زندگانی ات خویشتن را بیازمای،
 بدان که چه چیزی برایت بد است، آن را برای خود فراهم می آور،
 ۲۸ زیرا همه چیز برای همه کس مناسب نباشد^x
 و همگان همه چیز را دوست ندارند.
 ۲۹ به هر لذتی، سیری ناپذیر باش
 و بر خوراکی ها هجوم می آور،
 ۳۰ زیرا از زیادتی خوراک ها بیماری عارض گردد
 و زیاده روی به عارضه قولنج^y منتهی شود.
 ۳۱ از زیاده روی چه بسیاری هلاک شده اند
 اما آن که مراقب است بر عمر خویش می افزاید.

رفتار در مقابل پزشک و بیماری

۳۸ ۱ پزشک را به خاطر خدماتش احترام نما،
 چون او را نیز خدا آفریده است.^z
 ۲ در واقع شفا^a از باری تعالی است
 و پزشک از پادشاه تحفه ها می گیرد.^b

v- یا: شایسته اعتماد. عبری: برای آنان.

w- اعتماد: اکثر نسخ یونانی، عبری، سریانی، لاتین و برخی نسخ یونانی می افزایند: جلال، [اطمینان و جلال].

x- ر. ک. ۱- قرن ۱۲:۶؛ ۲۳:۱۰ که همین متن در موقعیت دیگری دوباره مطرح شده است.

y- عبری: استفراغ

z- به جای ابراز سوءظن نسبت به پزشک مانند ۲-توا ۱۶:۱۲، بن سیراخ پزشک را عطیه و موهبتی الهی می داند. مراجعه به پزشک نه تنها مانعی بین بنده و خدا ایجاد نمی کند بلکه بر عکس، صحیح و به جاست (آیه ۲).

a- عبری: حکمت پزشک.

b- پزشک یا بیمار. در متن عبری، این آیه درباره هدایا و تحفه های پادشاه زمینی است؛ در یونانی هم احتمالاً همین معنا را می دهد یا به عبارت بهتر، عطیه شفا که از طرف خدا، پادشاه بزرگ داده می شود حال چه به پزشک (شفای فعال) یا به بیمار (شفای منفعل): ر. ک. ۱:۱۸؛ ۳:۲۸؛ ۱۷:۳۴) و این انحراف از مباحث الهیاتی است که از مترجم یونانی سر زده است.

- ۳ دانش پزشک مایه سرفرازی اوست ،
 و در حضور بزرگان ستایش می شود.
 ۴ خداوند است که از خاک داروها^e آفریده ،
 و انسان آگاه آن ها را خوار نشمارد.
 ۵ مگر به تکه چوبی آب شیرین نشد
 تا فضیلت آن شناخته شود^d؟
 ۶ اوست که به انسان ها دانش عطا کرده
 تا خود را در شگفتی هایش جلال دهد.
 ۷ به وسیله این ها است که [پزشک] تیمار می کند و درد را می زداید^e،
 ۸ داروساز معجون می سازد،
 این چنین کارشان ناتمام نمی ماند^f
 و سلامت^g از جانب وی بر زمین می آید^h.
 ۹ ای فرزند در هنگام بیماریت سهل انگاری منماⁱ
 بلکه به خدا نیایش کن و او تو را شفا خواهد داد.
 ۱۰ از خطا دوری کن، دست هایت را راست نگاه دار ،
 و از هر گناهی قلب خویش را طاهر ساز.
 ۱۱ عطر آرامبخش و آرد گندم تقدیم نما،
 هدیه پرچربی تقدیم دار آن چنان که در وسع توست^j.
 ۱۲ سپس به پزشک جای ده زیرا وی را نیز خدا آفریده است
 و او از تو دور نشود چرا که به وی نیاز داری.

۹-۴:۳۵

- c- یعنی گیاهان داروئی.
 d- فضیلت آن یعنی فضیلت چوب (درخت): یا قدرت آن یعنی قدرت خدا. منظور آب های تلخی است که موسی آن را شیرین کرد (خروج ۱۵: ۲۳-۲۵). ملاحظه می شود که بن سیراخ همانند فیلون در اثر خود (De vita Mosis, I, 185) اعجاز را به فضیلت یک تکه چوب نسبت می دهد که از همان خلقتش توسط خدا در آن به ودیعت نهاده شده بود. اگر نه فضیلت چوب، بلکه قدرت خدا مطرح باشد امکان دارد به نتیجه ای برسیم که کتاب pseudo Philon XI, 15 بیان می کند: خدا «درخت حیات را (به موسی) نشان داد و او تکه ای از آن را بریده آن را در مارا افکند و آن شیرین شد» (ر.ک. بنسی ۱۹: ۱۹). بدین ترتیب چوب نمادی از تورات می شود.
 e - در وضعیت کنونی متن یونانی، فاعل جمله خدا است. متن عبری می گوید: پزشک به وسیله آن [دانش]، درد را تسکین می دهد.
 f- احتمالاً باید چنین درک کرد که آفرینش با بسط و توسعه آثار عمل خدا ادامه دارد. برخی گمان می برند که منظور تأثیر کار داروساز است: و کار وی هنوز تمام نشده که...
 g- برخی به جای سلامت، صلح ترجمه می کنند. واژه یونانی تنها به معنی صلح است اما آن را با واژه ای عبری که معنای دو پهلو دارد تصحیح می کند. به نظر می رسد که مضمون متن واژه سلامت را تحمیل کرده است.
 h- عبری: تا عملش متوقف نشود و خبر آن (دانش آن) از میان بشر محو نگردد.
 i- عبری- تو را با خود نبرد (سبب مرگ نشود).
 j- تحت اللفظی: هدیه چرب. می توان آغاز مصرع را چنین تفسیر کرد: هدیه کلان تقدیم دار. با وجود این واژه عبری که به هدیه ترجمه شده بیشتر معنای نان قندی و کلوچه را می دهد (ر.ک. ترگوم، خروج ۲۹: ۲۳). در وسع تو [در حدود مقدرات تو] به ترجمه از عبری است زیرا متن یونانی آن روشن نیست: گوئی که وجود ندارد (همین اصطلاح در بنسی ۹: ۴۴ هم هست).

۱۳ لحظاتی هست که بهبودی تو در دست‌های ایشان است،
 ۱۴ زیرا آنان نیز به درگاه خدا نیایش می‌کنند
 تا به وسیله ایشان درد آرامش یابد^k
 و درمانی برای نجات زندگی تو پیدا شود.
 ۱۵ آن که در برابر آفریدگار خود گناه می‌کند
 به چنگ پزشک خواهد افتاد!

بع ۱۴:۵

سوگواری^m

۱۶ ای فرزند بر مرده گریه کن،
 و مثل مردی که بی‌رحمانه از پای درآمده مویه سرده.
 بدنش را آن چنان که شایسته است کفن کن،
 و در خاکسپاری وی غفلت منما.
 ۱۷ به تلخی گریه کن، ضربه‌های دردناک به خود بزن،
 یکی دو روز به خاطر افتراء مردم
 برابر شأنⁿ وی سوگوار باش،
 سپس خود را از غم تسلی ده^o.
 ۱۸ زیرا غم از مرگ است
 و غم دل، نیرو را تحلیل می‌برد.
 ۱۹ بدبختی با اندوه توأم است^p
 و زندگانی فقیر به قلبش وابسته^q.
 ۲۰ دل خود را بر غم مگشا،

۱۲-۱۱:۲۲

k- عبری: تشخیص بیماری. هم بن سیراخ و هم مترجم وی اعتماد و افری نسبت به خصلت علمی پزشکی دارند. در نظر وی دخالت الهی از قبل بر شفای معجزه‌آسا و غیرمنتظره قرار نمی‌گیرد بلکه در موهبت‌های علم که به پزشک عطا شده است.
 l- یعنی گرفتار بیماری خواهد شد، رجوع کنید به حواشی مختلف متن عبری. بیماری نتیجه گناه است (ر.ک. یو:۹:۲). این طرز تفکر در میان قوم بنی اسرائیل سنت دیرینه‌ای داشت (ر.ک. تث:۲۸:۲۱-۲۲، ۲۷، ۳۵، ۵۹-۶۱). عبری: در برابر پزشک خود را شجاع نشان می‌دهد، یا به عبارت بهتر: باید خود را در برابر پزشک شجاع نشان دهد.
 m- بن سیراخ که مردی مبادی آداب و دل‌بسته سنت است، حرمت آداب و رسوم سوگواری را توصیه می‌کند، مراسمی با تشریفات و ظواهر سنجیده که هم مربوط به یهودیان و هم به مردمان مشرق زمین است (ر.ک. ار:۹:۱۶-۲۰؛ حزق:۲۴:۱۵-۲۳؛ عا:۵:۱۶؛ مر:۳۸:۵ و غیره). اما بن سیراخ با دیدی واقع‌گرایانه از تظاهرات افراطی کناره‌گیری می‌کند.
 n- بر حسب درجه قرابت یا شایستگی متوفی.
 o- یا: برای احتراز از نتایج ناگوار. معنای آن‌ها زیاد روشن نیست.
 p- این آیه در متن عبری وجود ندارد و با زمینه کلی هم چندان مرتبط به نظر نمی‌رسد. غم از درماندگی است و نه از سوگواری. برخی متن را این‌گونه درک می‌کنند که شدت غم نیروها و سلامت شخص را می‌فرساید.
 q- تطابق متن سریانی و یونانی متن این آیه در برابر ترجمه‌های دیگری که پیشنهاد شده‌اند و رضایت بخش‌تر اما غیردقیق هستند مقاومت می‌کند.

با به یاد آوردن پایان^T از آن دوری کن.
 ۲۱ فراموش مکن که بازگشتی در کار نیست^S،
 برای مرگ مفید نخواهی بود و به خود ضرر می زنی.
 ۲۲ از پند من یاد آور که پند تو نیز خواهد بود،
 برای من دیروز^T و برای تو امروز.
 ۲۳ وقتی مرده آرمید، بگذار خاطره اش نیز آرام گیرد،
 و وقتی نفس وی برید، از وی تسلی یاب.

برتری کاتب بر پیشه‌ور^U

۲۴ حکمت کاتب با فراغت به دست آمده
 و هر کس کمتر کار عملی کند می تواند حکیم شود.
 ۲۵ چگونه حکیم شود آن کس که گاواهن بدست می گیرد^V
 و افتخار می کند که به جای نیزه، سیخک در دست دارد،
 که گاوها را می چراند و به کارهای آنان می رسد
 و با گوساله ها درد دل می کند^W؟
 ۲۶ دل مشغولی هایش برای کار شخم است
 و شب زنده داری های او مصروف علوفه دام.
 ۲۷ همچنین است وضع هر دروگر و استاد کار
 که شبانه روز سرگرم کار است،
 طرح هایی بر روی مهرها حک می کند
 و اشتیاق بسیار به تغییر دادن طرح ها دارد،
 به پدید آوردن طرح دل می سپارد
 و شب هایش را به تکامل آثارش می گذراند.

T- اصطلاح به کار رفته دشوار است. در ۶:۲۸؛ ۳۶:۷؛ بن سیراخ کما بیش مثل این آیه می گوید: عاقبت کار یعنی مرگ را به یاد آور، تا توجه خواننده خود را به چیز دیگری جز وقایع عادی جلب کند. در اینجا معنای آن زیاد روشن نیست زیرا موضوع کار نیک کردن مطرح نیست بلکه عقب انداختن مرگ با زدودن غم. متن یونانی ترجمه واژه «پایان» را که در مضمون متن به معنای آینده آمده دچار انحراف کرده است.

S- عبری: به او فکر مکن زیرا دیگر به وی امیدی نیست. مرگ، قاتل امید است. ر.ک. رفتار داود در مورد مرگ فرزند نامشروع خود از بتشبع، ۲- سمو ۱۲:۲۲-۲۳.

T- عبری: برای او دیروز.

U- آیات ۲۴-۳۲ به افسانه ها و داستان های مصری درباره پیشه ها که مؤید پیشه کاتب و نوع فعالیت وی است مشابهت بسیار دارد. تحقیری که نسبت به مشاغل و کارهای دستی در اینجا ابراز شده، کارهایی که به عنوان موانع فعالیت های فکری و ذهنی در نظر گرفته شده اند زیاد منطبق بر لحن دیگر کتاب های حکمتی عهدعتیق و حتی کتاب بن سیراخ هم نیست.

V- بن سیراخ در ۲۰:۱۱ کاردستی را توصیه می کند زیرا فراهم آورنده معاش است (۲۷:۱۰؛ ۱۸:۴۰؛ ر.ک. امث ۱۳:۴).
 بخصوص کار کشاورزی (۱۵:۷؛ ۲۸:۲۰؛ امث ۱۱:۱۲؛ ر.ک. امث ۶:۶-۱۱، ۲۴-۳۰-۳۴).

W- یا: وقتش را با گوساله ها می گذراند. این تفکر درست برخلاف امث ۱۲:۱۰؛ ۲۷:۲۳ است.

۲۸ همچنین است آهنگر نشسته در برابر سندان ،
 که با دقت به آهنی که بر آن کار می کند می نگرد،
 بخار آتش گوشت تنش را ذوب می کند
 و در برابر آتش کوره می جنگد،
 صدای یتک دائم در گوشش طنین می افکند^x
 و دیدگانش بر نمونه شیئی خیره است،
 برای پدید آوردن کارهایش از قلبش مایه می گذارد
 و شب زنده داری های او برای ایجاد نظمی کامل است.
 ۲۹ همچنین است کوزه گر در کار کوزه گری اش،
 که چرخ^ل را با پاهایش می چرخاند،
 برای صنعت دستش همیشه در نگرانی است
 و همه کارهایش حساب شده می باشد^z.
 ۳۰ با بازویش گل رس را عمل می آورد
 و به زیر پاهایش آن را نرم می کند،
 برای لعاب آن از دل مایه می گذارد
 و شب ها را به پاک کردن کوره می گذراند.
 ۳۱ همه آن ها اعتمادشان بر دست هایشان است
 و هر یک از ایشان در کار خویش، مهارت^a خود را نشان می دهند.
 ۳۲ بدون ایشان هیچ شهری بنا نتواند شد،
 در آن مسکن نتوان گرفت و در آن گردش نتوان کرد.
 اما برای مشورت مردم به سراغ آنان نمی روند
 ۳۳ و در انجمن ها جایگاه شایسته ای نمی یابند.
 بر مسند قاضی نمی نشینند
 و برای عقد پیمان به ایشان فکر نمی کنند^b.
 آنان نه در دانش می درخشند و نه در حق،

x- تحت اللفظی: تکرار می شود.

y- تحت اللفظی: گردونه.

z- منظور از حساب بیشتر تعداد قطعاتی است که باید ساخته شود تا تاریخ تحویل آن ها یا مقیاس ابعاد و اندازه های آن. [در ترجمه فارسی: کارهایش حساب شده است، معنای وسیع تری را می رساند که علاوه بر توضیحی که داده شده همه عوامل فعالیت را از آغاز تا پایان موفقیت آن در نظر می گیرد].

a- مهارت فنی و کاردانی نوعی حکمت در حد پایین است و بدین ترتیب عطیه الهی محسوب می شود (ر.ک. خروج ۳۱: ۱-۶: حرق ۲۷: ۸) اما به این شکل کاملاً باعث محدودیت فکری انسان می گردد.

b- می توان از این آیه چنین استنباط کرد که در تصمیم های اتخاذ شده به هنگام داوری یا در مورد تورات موسی نقشی ندارند زیرا پیشه وران و مردمان عامی به علت عدم مطالعه، قادر به درک آنها نیستند (ر.ک. یو: ۷: ۴۹).

آنان را در میان امثال^c جایی نیست.
 ۳۴ با وجود این آفرینش جاودان را استحکام می بخشند
 و نیایش آنان مربوط به امور شغلی ایشان است^d.

مدح کاتب

مز ۱:۲
 ۳۹
 در باره کسی که روحش را به کار می بندد تا بر تورات باری تعالی ببندیشد
 جریان به گونه دیگر است،
 ۱ کسی که حکمت همه نیاکان را مطالعه می کند
 و اوقات فراغت خویش را به نبوت^e اختصاص می دهد.
 ۲ روایات اشخاص مهم را حفظ می کند
 و در پیچ و خم امثال فرو می رود.
 ۳ معنای پنهان مثل ها را می کاود
 ۸:۸
 و زندگی خود را در میان معمای مثل ها می گذراند.
 ۴ در میان بزرگان کمر خدمت می بندد
 و در میان رؤسا حاضر می شود.
 سرزمین های ملل بیگانه را درمی نوردد،
 و آنچه را نزد مردمان نیک یا بد است تجربه می کند^f.
 ۵ از بامداد دلش را آماده می کند
 تا نزد خدایی که وی را آفریده برود
 و در برابر باری تعالی نیایش می کند.
 دهانش را به نیایش می گشاید
 و برای گناهاش استغاثه می کند.
 ۶ اگر خداوند متعال بخواهد
 وی مملو از روح هوشمندی خواهد شد،
 استر ۱۱:۲
 سخنان حکمت را می باراند
 و در نیایش خود خداوند را ستایش خواهد کرد.

c- تحت اللفظی: در ضرب المثل ها. ریشه عبری مفروض این متن دارای دو بعد است: یکی به معنی مشابهت که مفهوم مقایسه از آن درک می شود (ضرب المثل)، دیگری سفارش کردن، تسلط یافتن. اگر متن را به ریشه دوم متصل کنیم چنین به دست می آید: در میان روسا جایی نخواهند داشت. این معنا مناسب تر و مفهوم تر است.

d- یا: مبتنی بر کارشان است (بر اساس کارشان است).

e- تورات، حکمت و نبوت ها را می توان بیانگر سه بخش از فهرست متون برحق دانست، ر.ک. پیشگفتار: ۱، ۸، ۲۴ که در آنجا این گونه بیان شده اند: تورات، انبیاء، کتاب های دیگر.

f- کاتب از آن رو سفر نمی کند تا تجربه خود را افزایش دهد (ر.ک. ۹:۳۴-۱۲؛ ۱۳:۵۱) اما به علت همین تجربه، ماموریت هائی به وی محول می گردد. برخی در انطباق با متن سریانی ترجمه می کنند: زیرا می خواهد تجربه کسب کند، که با متن هماهنگی بیشتری است اما از نقطه نظر دستو زبان یونانی کمتر قابل توجیه است.

۷ داوری و دانش خود را به راه راست خواهد گرداند
 و بر رازهای خدا اندیشه خواهد کرد.
 ۸ مبانی تعلیم خود را خواهد درخشانند
 و به تورات عهد خداوند مباهات خواهد کرد.
 ۹ چه بسیاری هوشمندی وی را ستایش خواهند نمود،
 یادش هرگز فراموش نگردد،
 یا بودش زائل نخواهد شد
 و نامش از قرنی به قرنی خواهد پایید.
 ۱۰ ملت ها حکمت وی را بازگو خواهند کرد
 و جماعت، ستایش خویش را اعلام خواهد نمود.
 ۱۱ اگر عمر دراز کند، نامی باشکوه تر از هزاران دیگر خواهد گرفت
 و اگر بمیرد همین وی را بسنده باشد.^g

۱۵:۴۴

ستایش خدا و عمل او

۱۲ باز می خواهم اندیشه هایم را بیان کنم
 زیرا چون ماه بدر می مانم.
 ۱۳ ای پسران مقدس، مرا بشنوید و باور کنید،
 چون گل سرخی که در کنار برکه آبی می روید.
 ۱۴ چون عطر، بوی خوش پراکنده سازید،
 گل هایی چون سوسن شکوفا کنید.
 خداوند را به خاطر همه اعمالش مبارک خوانید.^h
 ۱۵ بزرگی نامش را اعلام کنید و ستایش وی را،
 با آوازهایی بر لبانتان و [نواهایی] بر چنگ هایتان
 و با ستایش وی را سپاس گوید:
 ۱۶ کارهای خداوند همه، به سرحد کمال زیباست
 و هر یک از فرمان هایش به وقت خویش به تحقق خواهد رسید.
 ۱۷ نباید گفت: «این چیست؟ آن برای چه؟»
 زیرا همه چیز به جای خویش نیکوست.
 به سخن وی، آب چون جماد می ایستد
 و به یک سخن از دهانش، انبارهای آب فراهم می آید.

مز:۱

خروج

g- زیگler واژه ای از متن یونانی را تصحیح می کند زیرا به این صورت هیچ معنای رضایت بخشی از آن فهمیده نمی شود: برای خود به وجود می آورد (?).

h- توازی با آیه بعدی الزام می کند که طبق متن سریانی تصحیح شود. متن یونانی می گوید: معطر سازید و غزل بسرایید.

۲۲-۲۱:۱۴
یوشع ۳:۱۶

مز ۱:۱۳۹-۱:۱۲:
حک ۷:۸-۷:۸

- ۱۸ به فرمان وی همه چیز طبق پسندش انجام می پذیرد
و کسی را یارای آن نیست که با نجات وی مخالفت نماید.^۱
- ۱۹ اعمال هر جاننداری در برابر اوست
و امکان ندارد از دیدگان وی بتوان مخفی ماند.
- ۲۰ نگاهش از کران تا به کران ابدیت^۱ است
و هیچ چیز برایش شگفتی نیست.
- ۲۱ نباید گفت: «این چیست؟ آن برای چه؟»
زیرا در آفرینش هر چیزی کاربردی هست.
- ۲۲ برکت وی چون رودخانه^k لبریز است
و چون سیل^l زمین را مست می کند.
- ۲۳ به همچنین ملت^m خشم وی را به ارث خواهند برد،
این چنین آب ها را به آب نمکⁿ تبدیل کرده است.
- ۲۴ راه های وی برای مقدسان راست است
اما برای بی دینان مملو از سنگ های لغزنده.
- ۲۵ نیکی ها از همان آغاز برای نیکان آفریده شده،
همان گونه که بدی ها برای گناهکاران.
- ۲۶ آنچه نیاز اولیه زندگانی آدمی است،
آب، آتش، آهن، نمک،
آرد گندم سفید، شیر، عسل،
خون انگور، روغن و جامه است.
- ۲۷ همه این ها برای انسان پرهیزکار نیکوست
همان گونه که برای گناهکاران مبدل به بدی می شود.^o
- ۲۸ بادهایی هست که برای عقوبت آفریده شده اند

i - عبری: مخالفت نماید، یونانی: بکاهد.

j - تحت اللفظی: از ابدیت تا ابدیت.

k - عبری: نیل (رود نیل). بالا آمدن هر ساله رود نیل که باعث حاصلخیزی دره نیل می شد تصویری بسیار دقیق درباره برکات خداوند است.

l - عبری: رود، شاید فرات. متن یونانی این تصویر را در بیان وفور برکات منتقل کرده است.

m - ملل مشرک که باعث خشم خدا هستند چه با اراده وی مخالفت می کنند (ر.ک. به متن لاتین). فعل عبری به کار رفته در این مورد را می توان به خلع مالکیت هم ترجمه کرد. در این صورت منظور کنعانیان خلع ید شده از سرزمین شان توسط اسرائیلیان اند. ر.ک. ۹:۱۶.

n - تحت اللفظی: نمک. در اینجا کنایه ای درباره ویرانی سدوم و عموره وجود دارد که آن منطقه حاصلخیز تبدیل به صحرای نمک گردید (پید: ۱۹:۲۴ و آیات بعد. ر.ک. بنسی ۱۶:۸).

o - از اینجا متن نسخه عبری که در سال ۱۹۶۴ در مسدا (Masada) پیدا شد و مربوط به قبل از سال ۷۳ میلادی است آغاز می شود که شامل ۳۹:۲۷-۳۲، ۴۰:۱۰-۱۹، ۲۶:۳۰-۴۱:۱۷:۴۴ است.

و او در غضب خویش بر بلاهایشان می افزاید^P،
 به هنگام ویرانی خشونت می پراکنند
 و خشم آفریدگارشان را آرام می بخشند.
^۹ آتش، تگرگ، قحطی و مرگ^Q،
 همه این ها برای عقوبت آفریده شده اند.
^{۳۰} دندان های دندان، کژدم ها، افعی ها
 و شمشیر انتقام که بی دینان را تنبیه می کند،
^{۳۱} از فرمان هایش وجد می نمایند
 و در صورت نیاز بر روی زمین آماده اند
 و تا زمانشان فرا رسد، سر از فرمان وی نمی تابند.
^{۳۲} برای همین است که از آغاز،
 در مدنظر داشته ام، اندیشه کرده ام و نوشته ام:
^{۳۳} «کارهای خداوند همه نیکوست
 و برای هر نیازی در زمان مناسب آن تدارک می بیند.
^{۳۴} نباید گفت: این بدتر از آن است،
 زیرا هر چیزی به وقت خویش نیکو است.
^{۳۵} و اکنون با تمام قلب و زبان بسرایید
 و نام خدا را متبارک خوانید!»

جا ۱:۱۱-۱۰:۷

مرز ۲۱:۱۴۵

درماندگی آدمی

۴۰

^۱ از روز خروج از بطن مادر
 تا روز بازگشت به مادر همگان،
 پریشانی های سهمگین برای هر انسان آفریده شده^T،
 و یوغی سنگین بر [گردن] بنی آدم است.
^۲ منظور اندیشه های آنان و ترس دل هایشان،
 نگرانی از روز مرگ است که در انتظارش هستند.
^۳ از آن کس که بر تختی شاهوار نشسته
 تا آن کس که بر خاک و خاکستر افتاده است،
^۴ از آن کس که ارغوان در بردارد و تاج^S بر سر

ایوب ۱:۷-۵:۱۴

P- در بسیاری از نسخ یونانی آمده است: در هیجان خود آن را شدت می بخشد که منظور خداست.
 Q- «(آسمان) دوم حاوی آتش، برف و یخ است که به جهت حکم خدا برای داوری عادلانه او آماده شده اند و همه ارواح شریب
 برای عقوبت پلیدان در آنجا ساکنند.» وصیت نامه لاوی ۲:۳
 R - عبرتخدا [انسان را] در پریشانی های بسیار سهم گردانیده است. متن یونانی به خاطر احترام به اسم الهی، آن را حذف کرده است.
 S- عبری: دستار و تاج.

- تا آن کس که کرباس در بر کرده است،
^۵ سهمی جز وحشت، حسد، تشویش و اضطراب،
 ترس از مرگ، کینه و عناد ندارند.
 و هنگامی که بر بستر خویش می آرامد
 خواب شبانه تصورات وی را برهم می زند.^t
 جا ۲۳:۲
^۶ اندکی استراحت می کند، آن قدر کم که هیچ است
 و همان دم در رویاهایش رنج می برد^u،
 گوئی که در روز رنج است،
 با متقلب شدن از رویاهای دل خود،
 چون فردی است که از جنگ فرار کرده است.
^v در لحظه رهایی^v از خواب می پرد
 و از ترس بیهوده خود سراپا در شگفت است .
^۸ برای هر ذی جسدی از آدمی گرفته تا حیوان،
 اما برای گناهکاران هفت برابر بیشتر:
^۹ مرگ، خون، نزاع، شمشیر^w،
 بدبختی، قحطی، ویرانی و آفت!
 ۲۹-۲۵:۳۹
^{۱۰} همه این ها بر ضد بی دینان آفریده شده اند
 و به خاطر آنان است که طوفان می آید^x.
 پید ۷-۵:۶
^{۱۱} هر چه از خاک برآید به خاک باز می گردد
 و هر چه از آب ها پدید آید به دریا^y، باز خواهد گشت.
 پید ۱۹:۳
 جا ۷:۱

اموال دروغین و اموال حقیقی

- ^{۱۲} همه موهبت ها و همه بی عدالتی ها از بین می روند،
 اما وفاداری جاودانه پایدار است.
^{۱۳} ثروت ظالمان^z چون بستر سیل خشک می شود،

t- مفهوم این آیه مشکوک است: تحت اللفظی: معرفت خود را بر هم می زند.
 u- در رنج است: بر اساس نسخ یونانی و ترجمه ارمنی اندکی تصحیح شده است. در اکثر نسخ آمده است: چون روز مراعات (یا: مراقبه).
 v- به جای این متن برخی چنین پیشنهاد می کنند: به هنگام احتیاج، در لحظه بحرانی.
 w- عبری. طاعون، خون، سوختگی، خشکسالی (یا: شمشیر).
 x- در اینجا متن ۳۰-۱۰:۴۰ شروع می گردد که در نسخه مسدا وجود دارد و بیشتر روایات نهائی نسخه عبری B را تأیید می کند.
 y- عبری: و آنچه از بالا می آید به بالا باز می گردد، ر.ک. جا ۲۱:۲۱؛ ۷:۱۲. متن این آیه در این زمینه چیزی بیشتر از موازی آن در ۱۱:۴۰ الف نمی گوید یعنی بازگشت آفریدگان به اصل و مبداء خود.
 z- متن یونانی با نسخه «مسدا» انطباق دارد اما با نسخه عبری B متفاوت است.

و مانند ضربه تندر به هنگام باران تند^a از نظر ناپدید می شود.
 ۱۴ وقتی ظالم دست ها را [به نشانه تسلیم] بلند می کند، همه شادی می کنند^b،
 این چنین بدعهدان کاملاً نابود خواهند شد.
 ۱۵ شاخ و برگ (فرزندان) بی دینان شکوفه ندهد
 و ریشه های ناپاکان بر صخره شیب دار هستند^c.
 ۱۶ نی هائی که بر کناره آب ها و رودخانه ها می رویند،
 پیش از هر گیاهی^d ریشه کن می شوند.
 ۱۷ نیکوکاری چون باغی سرسبز و خرم^e است
 و صدقه تا به ابد پایدار.

:۲۵:۲۳

حک ۴:۳

ایوب ۸: ۱۱-۱۲

۲۷:۴۰

ترس خدا، والاترین مال

۱۸ مرد خودکفا و کارگر زندگانی شیرین دارند^f
 اما بیش از این دو خوشا به حال آن کس که گنجی می یابد.
 ۱۹ از فرزندان و بناکننده شهر نامی^g باقی می ماند
 اما بیش از این دو، زن بی آرایش شایسته احترام است.
 ۲۰ شراب و موسیقی^h دل را شادمان می سازد
 اما بیش از این دو، علاقه به حکمتⁱ.
 ۲۱ نی و چنگ، آواز را مطبوع می سازد
 اما بیش از این دو، زبان شیرین^j.
 ۲۲ لطف و زیبایی آرزوی چشمان است
 اما بیش از این دو سرسبزی دشت ها.
 ۲۳ دوست و همراه هرگاه بخواهند یکدیگر را ملاقات می کنند

a- عبری: و چون سیل شدید همراه با برق تندر.

b- متن یونانی مبهم است و متن عبری نیز بسیار نامطئن: با نابودی وی، محرومان شاد می شوند، یا: با ورم کردن او، صخره ها از هم می شکافند.

c- عبری: ریشه های خشونت. صخره اجازه نمی دهد ریشه قوی و محکم بوجود آید.

d- عبری: با هر بارانی. یونانی و سریانی: پیش از هر گیاهی.

e- تحت اللفظی: چون بهشت برکات.

f- عبری، نسخه B: زندگی با شراب و شهد شیرین است. عبری، نسخه مسدا: زندگانی پُر برکت و پراز وفور (یا: نوشیدنی) شیرین است.

g- بسیاری از شهرها نام بناکننده را بر خود دارند مانند اسکندریه و انطاکیه. پس از این آیه در متن عبری و سریانی آمده است: اما از این دو بهتر، یافتن حکمت است. اولاد (یا: گله ها) و کشت و ذرع موجب شکوفائی نام است.

h- عبری: مشروب.

i- نسخه یونانی به متن جنبه روحانی می دهد. در متن عبری (و نیز سریانی) موضوع دوستی بین دوستان یا محبت بین زوجین مطرح است.

j- عبری: صادق و صمیمی.

- اما بیش از این دو، زن و شوهر^k.
 ۲۴ برادر و یاور در لحظه درماندگی به فریاد می‌رسند، امث ۱۷:۱۷
 اما بیش از این دو، صدقه خلاصی می‌بخشد.
 ۲۵ زر و سیم ایمنی^l می‌بخشد
 اما بیش از این دو، مشورت، شایان تقدیر است.
 ۲۶ دارایی و قدرت اعتماد می‌هد^m
 اما بیش از این دو، ترس خداوند.
 با ترس خداوند، هیچ چیز کم نباشد
 و با وی، نیازی به جستجوی ملجاء نیست.
 ۲۷ ترس خداوند چون باغی سر سبز و خرمⁿ است امث ۱۷:۴۰
 و حمایت وی از هر افتحاری بهتر.

گدائی

- ۲۸ ای فرزند گدائی پیشه مکن،
 مرگ بهتر از گدائی است.
 ۲۹ مردی که چشمش به سفره دیگری است
 زندگی وی را نتوان زندگی به حساب آورد^o،
 حلقوم^p را با طعام بیگانه آلوده می‌کند،
 چیزی که هر انسان مؤدب و فرهیخته از آن احتراز می‌جوید.
 ۳۰ در دهان بی شرم گدائی مطبوع است
 اما در اندرونش آتشی شعله ور خواهد بود. ایوب ۱۴:۲۰

مرگ

- ۹۱ ای مرگ، اندیشیدن به تو چه تلخ است
 ۴۱ برای انسانی که در میان اموالش^r در آرامش به سر می‌برد،
 برای انسانی آسوده از غم که در همه چیز موفق است

k- عبری: زن خردمند.
 l- تحت اللفظی: محکم کردن جای پا.
 m- تحت اللفظی: دل را به اهتزاز در می‌آورد؛ عبری: دل را شاد می‌کند.
 n- تحت اللفظی: بهشت برکات.
 o- در عبری واژه زندگی گاه به معنای خوراک و غذا هم آمده است. لذا می‌توان این گونه نیز ترجمه کرد: غذایش را نتوان غذا به حساب آورد.
 p- عبری: حلقوم؛ یونانی: روح، جان.
 q- این باب با برخی محدودفات در نسخه «مسدا» وجود دارد.
 r- یا: در میان خانه اش. معنای خانه با همان واژه عبری به کار رفته در ۶:۴۴ قطعی است.

و هنوز آن قدر توان دارد که از نعمت‌های زندگی لذت برد^s.
 ۲ ای مرگ، حکم تو رواست
 برای انسان نیازمندی که توانش کاهش یافته،
 برای کهنسالی که به زیر بار غم‌ها از پای درآمده
 که عصیان می‌کند^t و شکیبائی را از دست داده است.
 ۳ از حکم مرگ مهراس
 از پیشینیان خود یاد آور و به آیندگان بیندیش.
 ۴ این حکمی است که خداوند بر هر موجودی جاری ساخته،
 چرا از آنچه خوشایند باری تعالی است روی برمی‌تابی؟
 چه ده، صد یا هزار سال زندگی کنی،
 در وادی مردگان سرزنشی برای زندگانیت نیست.

ایوب ۳: ۲۰-۲۳

طو ۳: ۶

پید ۳: ۱۹

کیفر بی دینان

۵ فرزندان گناهکاران فرزندان مکرره خواهند بود
 که در مسکن‌های بی دینان تردد می‌کنند.
 ۶ میراث فرزندان گناهکاران به نیستی می‌رود^u
 و بر تبارشان دائماً شرم خواهد ماند.
 ۷ پدر بی دین سرزنش فرزندان‌شان را به خود می‌گیرد
 زیرا شرمساری آنان به خاطر اوست.
 ۸ وای بر شما ای مردان بی دین
 که تورات باری تعالی را ترک کرده‌اید.
 ۹ اگر متولد شوید، برای نفرین متولد شده‌اید^v
 و اگر بمیرید، نصیبتان جز نفرین نیست.
 ۱۰ هر چه از زمین می‌آید، به زمین باز خواهد گشت،
 همچنین بی دینان از لعنت رو به ویرانی می‌روند^w.

حزق ۱۶: ۴۴

۱۱: ۴۰

s- در یونانی، trophén (یعنی غذا) آمده که باید طبق متون عبری و سریانی به truphen (یعنی لذت) تصحیح شود.

t- عبری، نسخه مسدا: که بینائی را از دست داده است.

u- عبری، نسخه مسدا: به علت پسر بی دین، ملک ویران خواهد شد.

v- عبری: اگر کثیر شوید برای ویرانی است/ اگر زاد و ولد کنید، برای مصیبت است/ اگر سست شوید برای شادی ابدی است/ و اگر بمیرید برای آن است که نفرین شوید.

w- عبری: هر چه از عدم آید به عدم باز می‌گردد/ همچنین بی دین که از هیچ می‌آید به هیچ باز می‌گردد.

شهرت نیکو

- ۱۱ آدمی در جسم خویش جز پوچی چیزی نیست
 اما نام گناهکاران به نیکی برده نمی شود و محو خواهد شد.^x
- ۱۲ در اندیشه نام خود باش زیرا برایت پایدار خواهد ماند^y
 بیش از هزاران گنج طلا^z.
- ۱۳ روزهای دلپذیر زندگانی شمرده شده است،
 اما نام نیک جاودانه خواهد ماند.
- امت ۱:۲۲
 جا ۱:۷
- ۲:۱۷
 ۲۵:۳۷

شرم راستین و دروغین

- ۱۴ ای فرزندان تعلیم را در صلح نگاه دارید^a.
 حکمت مکتوم و گنج نامرئی،
 این و آن به چه کار آید؟
- ۱۵ آن مردی که بلاهت خویش را پنهان می دارد
 بهتر از آن مردی است که حکمت خویش را پنهان می سازد.
- ۱۶ پس تو را گویم که از چه باید حقیقتاً شرمسار بود^b،
 زیرا نگاه داشتن هر شرمی خوب نیست
 و همگان، همه چیز را با امانت تحسین نمی کنند^c.
- ۱۷ از هرزه گری در حضور پدر و مادر شرم کن
 و از دروغ در برابر رهبر و قدرتمند،
 ۱۸ از ارتکاب جرم در برابر داور و قاضی،
 از قانون شکنی در برابر جماعت و مردم،
 از بی عدالتی در برابر یار و دوست
 ۱۹ و از دزدی در برابر ساکنین جایی که زندگی می کنی.
 در برابر حقیقت خدا و نیز در برابر پیمان^d شرم کن،
 از تکیه زدن بر آرنج به روی نان ها^e،
- ۳۱-۳۰:۲۰
 مت ۵،
 ۱۶-۱۴
 ۲۵:۲۵
- ۲۱:۴
 ۳۰-۲۲:۲۰

X- عبری: جسم انسان پوچی است/ اما شهرت پرهیزکاری (یا: نیکی) محو نخواهد شد.

Y- این تفکری در تضاد با جا ۸:۱۵ است. عبری: خواهد رفت به جای پایدار خواهد ماند.

Z- عبری، نسخه B: از حکمت؛ حاشیه B، نسخه مسدا: گران بها.

a- عبری: تعلیم آن شرمساری، تعلیم شرمساری/ فرزندانم، تعلیم شرمساری را گوش کنید. نسخه B دارای عنوانی در آغاز این بخش جدید است. این عنوان که در انطباق با آیه اول آیه ۱۴ و پس از آیات دوم و سوم آیه ۱۴ است در آنجا قرار می گیرد.

b- تحت اللفظی: این چنین پس از سخن من (عبری: داوری من) شرمسار شوید.

c- یا: آنچه را که قابل اعتماد نباشد، تأیید نکنید. عبری: هر شرمساری عالی نیست.

d- متن یونانی نامفهوم است. به کمک نسخه مسدا این گونه خوانده می شود: زیر پا گذاشتن سوگند یا پیمان شکنی.

e- خود متن قابل فهم است اما تفسیر آن روشن نیست. به نظر می رسد اگر منظور نشستن به وضع مطلوب یا نامطلوب بر سر سفره باشد، اسباب تعجب باشد چرا که چنین منظوری بعید به نظر می رسد.

از داد و ستد همراه با دشنام^f،
 ۲۰ از سکوت کردن در برابر کسانی که به تو سلام می گویند،
 از چشم دوختن به زن فاحشه،
 ۲۱ از روی گردانی از همشهری^g،
 از برداشتن سهم و هدیه دیگری،
 از بی سیرت کردن زن شوهردار.
 ۲۲ با کنیز خود زیاد محرم نشو
 و نزدیک بستر وی مرو.

۹-۸:۹

از گفتن سخنان توهین آمیز به دوستان شرم کن،
 و پس از بخشیدن، توهین منما.

۴۲
 ۱^h از تکرار سخنی که شنیده ای شرم کن
 و از فاش کردن رازها،

۸-۷:۱۹

آنگاه شرم راستین را خواهی شناخت
 و در برابر همگان برکت خواهی یافت.
 اینک آن چیزهایی که انجام آن شرم نداردⁱ
 و موجبی برای گناه کردن نیست^j.
 ۲ از تورات باری تعالی و از پیمان شرمسار مباش،
 نه از حکمی که بی دین را تبرئه می کند^k،
 ۳ نه از حساب کردن بر همراه و همسفران،
 نه از تقسیم میراث با دیگران^l،
 ۴ نه از داشتن سنگ و ترازوی دقیق^m،

f- عبری: امتناع از قبول خواهش دیگران.

g- تحت اللفظی: روی گردانی از چهره پدر یا مادر.

h- تمامی این باب در نسخه مسدا وجود دارد.

i- بن سیراخ پس از برشمردن اعمال شرم آور به جهت دوری از آن ها، می گوید که نباید از سایر اعمال به خاطر احترام بشری شرم نمود (ر.ک. ۴:۲۰-۳۱).

j- یا: نگذار دیگران تو را تا حد ارتکاب گناه تحت تأثیر قرار دهند. اصطلاحی که ناظر بر تفسیر این آیه است معمولاً بدین معنی است: مردمان را به حساب آور. برخی ترجمه می کنند: با تکیه بر اشخاص گناه مکن یعنی جانی را که مستوجب بی حرمتی به خداست مگیر.

k- اگر در داوری های خود محق باشیم نباید از داوری شرمگین بود، حتی اگر به برائت بی دین بی گناه منجر شود (ر.ک. تث: ۱: ۱۷). شاید منظور از بی دین، بیگانهگان باشد. می توان این گونه نیز درک کرد که به خاطر ترس، نباید بی دین مجرم را تبرئه کرد یعنی نباید از عملی که موجب اجرای عدالت می شود خودداری نمود، یا نباید محکوم را تبرئه کرد زیرا اعلام [نتیجه] داوری باعث شرم خواهد بود.

l- تحت اللفظی: از بخشش میراث، (زیگلر واژه eterôn به معنی دیگران را انتخاب کرده نه واژه etairôn به معنی دوستان). عبری: نه از بحث درباره ارثیه و اموال.

m- عبری: و از گرد و خاک ترازو و قپان. «تاجر عمده فروش باید اسباب توزین خود را ماهی یک بار تمیز کند و به طور مخصوص سالی یک بار، ... خرده فروش دوبار در هفته ترازوی خود را تمیز کنند، وزنه های خود را یک بار در هفته و ترازو را پس از هر توزین.» (میشنا، بابا بصره، آیه ۱۰). این موضوع دائماً ورد زبان ربی هاست.

نه از به دست آوردن کم یا زیادⁿ،
 ۵ نه از سود بردن در فروش به تاجران^o،
 نه از اصلاح مداوم فرزندان^p، ۱۲-۱:۳۰
 نه از جاری ساختن خون از پهلوی خادم شریر^q. ۲۷-۲۵:۳۳
 ۶ زن کنجکا^r را قفل و بست لازم است،
 و جایی که دست زیاد^s باشد اموال را زیر کلید بگذارد.
 ۷ آنچه را تحویل می دهی وزن کن و محاسبه نما،
 آنچه می دهی و آنچه می ستانی، همه را یادداشت کن.
 ۸ از تأدیب نادان و احمق شرم مکن
 و پیر کهنسالی که متهم به زنا شده باشد^t.
 این چنین نشان می دهی که به درستی تعلیم یافته ای
 و تمامی دنیا تو را تحسین خواهد کرد.

امث ۱۰:۱۳:
 ۱۹:۲۹:
 ۲۶:۳۰:

نگرانی های پدر به جهت دخترش

۹ دختر به جهت پدرش دلیلی نهانی برای بی خوابی^u است،
 نگرانی درباره وی خواب را می زداید:
 اگر جوان باشد، خطر این هست که بهار عمرش را تلف کند،
 و هنگامی که ازدواج کند، ممکن است مورد نفرت قرار گیرد، ۱:۲۴
 ۱۰ دختر باکره در این خطر است که ملوث گردد
 و در خانه پدرش باردار شود،
 چون شوهر کند ممکن است خیانت ورزد
 و در خانه شوهرش ممکن است نازا باشد.
 ۱۱ بر دختر گستاخ، نگهبانی محکم بگمار، ۱۰:۲۶
 مبادا تو را ریشخند دشمنانت،
 و داستان شهر و موجب ازدحام مردم^v سازد،
 مبادا در جماعت عمومی^w مایه شرمساری تو گردد.

n- در نسخه عبری و نسخه مسدا ما بین ۴ الف و ۴ ب اضافه شده است: و تمیز کردن ترازو و وزنه.
 o- بن سیراخ در ۲۹:۲۶ و ۲۷:۲۷ در مورد خطرات اخلاقی موجود در داد و ستد و تجارت هشدار می دهد.
 p- قسمت دوم و سوم آیه ۵ در نسخه عبری B وجود ندارند اما در مسدا هست.
 q- در نسخه عبری و مسدا: و خادم شریری که لنگان راه می رود، یا: ضربات چوب برای خادم شریر و لنگان.
 r- یا: شریر. این مضمون کلی است و معنای دقیق آن را باید در جمله یافت.
 s- نسخه مسدا و یونانی: بسیار؛ عبری، نسخه B: سبک.
 t- عبری، نسخه B: مرد پیر و سالخورده ای که به جهت هرزگی اندرز می دهد. عبری، نسخه مسدا: پیر مرد هوس باز و هرزه.
 u- عبری: گنج گمراه کننده. این آیه و آیات بعدی در تلمود نقل و تفسیر شده اند (سانهدرین ۱۰۰ ب).
 v- یونانی: موجب ازدحام مردم؛ نسخه عبری و مسدا: جماعت مردم؛ عبری، نسخه B: موضوع نفرین مردم.
 w- تحت اللفظی: بسیار (pollôn به معنی تباهی احتمالاً از ریشه pulôn به معنی دروازه ها): عبری: جماعت دروازه یعنی دادگاه.
 در آن زمان دادگاه در دروازه شهر تشکیل جلسه می داد و احکام خود را صادر می کرد. مترجم، متن را با ذهنیت خوانندگان یونانی خود انطباق می دهد. نسخ عبری و سریانی دو آیه به متن می افزایند که در متن یونانی نیست: در جایی که وی ساکن

از زنان بر حذر باش

- ۱۲ نگاه خود را به زیبایی هیچ انسانی خیره مکن^x
 و در میان زنان منشین^y،
 ۱۳ زیرا از لباس، بید بیرون می زند
 و از زن، بدجنسی زنانه.
 ۱۴ بدجنسی مرد بهتر از نیکوئی زن است،
 زن سراپا موجب شرمندگی است و مایه ننگ^z.

بخش هـ : عظمت و حکمت خدا

جا ۲۶:۷-۲۸

در طبیعت^a

- ۱۵ اکنون اعمال خداوند را ذکر خواهیم کرد
 و آنچه دیده ام برایت بیان خواهم نمود.
 به سخنان^b خداوند، اعمال وی انجام گرفته است^c.
 ۱۶ خورشید درخشان همه چیز را می نگرد
 و کارهای خداوند مملو از جلال اوست.
 ۱۷ برای مقدسان^d خداوند میسر نشده
 که همه اعمال شگفتی وی را بیان کنند،
 اعمالی که خدای قادر مطلق محکم بنیان نهاده است
 تا آن که کائنات در جلال^e وی قوام یابد.

بید ۱:۳:
حک ۹:۱

مز ۱۹:۲

است پنجره نباشد/ نه اتافی که از آنجا بتوان اطراف را دید.

X- عبری: به هیچ مذکری زیبایی خود را نشان ندهد. منظور همان دختری است که باید مورد مراقبت و نگرانی قرار گیرد. در متن عبری بخش فوق تا آیه ۱۴ ادامه می یابد.

Y- عبری: در خانه زنان به صحبت ننشیند.

Z- قضاوتی بسیار بدبینانه و شاید متناقض درباره زنان. در کتاب امثال تا بدین حد افراط نشده است. مکتب حاخام گری بعد از آن نیز بیشتر قائل به تسامح است و نسبت به بن سیراخ سخت گیری کمتری دارد. به هر حال از متن نباید نتیجه گیری مطلق به عمل آورد. منظور خطراتی است که از مصاحبت با زنان شوهر کرده ممکن است به دختری جوان برسد، خطری حتی بدتر از آنچه ممکن است از خشونت و توحش مرد فرا رسد.

a- ۱۵:۴۲-۳۳:۴۳، سروده ای در وصف عظمت خدا که در طبیعت متجلی است.

b- عبری، نسخه مسدا: سخن: عبری، نسخه B در (یا: توسط) سخن خدا، اراده وی. متن عبری آفرینش را به سخن خدا (به صیغه مفرد، ر. ک. مز ۳۳:۶) نسبت می دهد. واژه به کار رفته از همان ریشه ای است که اسم موصوف Memra (سخن) در متون آرامی، جایگزین متداول نام توصیف ناپذیر خدا در کاربرد کنیسه ها شده است. شاید این خود به نوعی ظهور گرایشی باشد که بعدها در جوامع مسیحی، سخن جنبه شخص می یابد (ر. ک. سخن تن گرفته در یوا).

c- برخی نسخ می افزایند: و حکم او با برکت وی به تحقق (به انجام) رسیده است، که بدین صورت تصحیح شده: و حکم او طبق اراده اش به انجام رسیده است. عبری: عمل خیرخواهانه (یا: ارادی) وی، آموزه او.

d- منظور از مقدسان فرشتگان هستند که در حضور خدا به سر می برند.

e- عبری: در برابر جلال وی که منظور جلال خداست. متن یونانی این جلال و شکوه مندی را به اعمال شگفتی که خدا آفریده نسبت می دهد.

- ۱۸ [ژرفای] هاویه و دل ها را می کاود
و در جریان تدا^fبیر آن ها نفوذ می کند،
زیرا باری تعالی دانای مطلق است،
و چشمانش بر نشان های زمان دوخته شده است.^g
۱۹ از گذشته و آینده خبر می دهد
و رمز هر چیز مخفی را می گشاید.
- ۲۰ هیچ اندیشه ای نیست که از آن غافل باشد،
حتی یک کلمه از او پنهان نیست.
- ۲۱ اعمال پر عظمت حکمت خویش را به نظم ترتیب داده،
زیرا پیش از ابدیت بوده و پس از ابدیت نیز خواهد بود.^h
هیچ چیز به وی افزوده نشده و هیچ چیز از وی کاسته نگشتهⁱ
و نیاز به هیچ مشاوره ندارد.
- ۲۲ تمامی اعمال وی چه دلپذیر هستند،
وقتی بنگریم همانند جرقه ای^j است.
- ۲۳ همه این ها زنده هستند و همیشه باقی خواهند بود
برای هر کاری و همه اطاعت می کنند.^k
- ۲۴ همه چیز دو به دو هستند، یکی مطابق دیگری
و هیچ چیز نا کامل^l نیافریده است.
- ۲۵ این یک خیریت آن دیگر را تأمین می کند.
چه کسی از دیدن جلال او^m سیر تواند شد؟

امت ۱۱:۱۵:
ایوب ۶:۲۶

مز ۱۰۱:۳۹-۴

مز ۲۷:۱۶-۲۸

مز ۱۴:۳۳-۱۵:
جا ۱:۳-۸

خورشید مز ۱۹:۵-۷

۱ بلندی های سپهر پاک چه باشکوهندⁿ،
۴۳ و آنگاه که آسمان زیبایی خود را می نگرد چه تماشایی!
مز ۴:۸:
۲:۱۹:
۹-۴:۱۳۶

f- عبری: اسرار.

g- ر.ک. ۶:۴۳. خدا ستارگان را برای جدائی و تعیین زمان آفریده است (پید ۱:۱۴). همچنین آن ها را چون تعیین کننده آینده به شیوه ای شوم نیز پنداشته اند (ار ۲:۱۰). بن سیراخ تأکید می کند که خدا بر آینده واقف و بنابراین مسلط است. در متن عبری از نشان های زمان صحبت نمی شود بلکه درباره آنچه که در ابدیت فرا می رسد.

h- عبری: همان است.

i- هیچ چیز نه کاسته نشده و نه افزوده گشته، چه از عمل خدا (ر.ک. ۱۸:۶؛ جا ۳:۱۴) یا چه از خود خدا. سبک ایهامی آن اجازه انتخاب قطعی نمی دهد.

j- عبری، نسخه مسدا: تا یک جرقه و دیدی زود گذر (تحت اللفظی: دیدنی ظاهری).

k- متن یونانی و متن عبری، نسخه B: اطاعت می کنند که برگردانی نادرست از متن عبری، نسخه مسدا است: نگهداری می شود. متن عبری اصلی: و به جهت همه نیازها، همه چیز نگاه داشته شده است.

l- عبری: بیهوده.

m- عبری: جلال آن ها.

n- مفهوم کلی آیات ۱-۵ که در مورد خورشید است روشن می باشد اما علی رغم انطباق کلی متن یونانی با نسخه عبری مسدا، تفسیر جزئیات آن مورد تردید است. اصطلاح سپهر (یا فلک، آسمان) پاک، ایهام بسیار دارد، ر.ک. خروج ۲۴:۱۰ یونانی.

۲ خورشید دمان از طلوع خود خبر می دهد
 که کار باری تعالی چه دلپذیر است.
 ۳ در نیمروزش صحرا را می خشکاند،
 در برابر گرمایش چه کسی یارای ایستادگی دارد؟
 ۴ برای تهیه آتش در کوره می دمند^o،
 اما خورشید که کوه ها را می سوزاند سه برابر گرم تر است.
 بخارهای سوزان از آن برمی خیزد^p
 و با تابانیدن پرتوهایش، چشم ها را می زند.
 ۵ خداوندی که آن را آفریده عظیم است
 و برابر کلام وی به گردش خود ادامه می دهد^q.

ماه

۶ ماه نیز همواره زمان دقیق خود را دارد،
 تعیین کننده دوران ها و علامت زمان هاست^r.
 ۷ علامت جشن از ماه می آید^s،
 ستاره ای که بعد از بدر کم سو می شود.
 ۸ ماه ها نام خود را از آن گرفته اند^t،
 در جریان گردش خود به شگفتی بزرگ می شود^u،
 لشکریان را که در بلندی ها اردو زده اند خبردار می کند
 و در اوج آسمان می درخشد.

پید ۱:۱۴-۱۸:
 من ۳۸:۸۹:
 ۱۹:۱۰۴

- o- عبری، نسخه مسدا: کوره سوزان (برای) کارهای ذوب.
 p- عبری: زبانه ستاره، (زمین) مسکون را می سوزاند.
 q- عبری، نسخه B: زیرا خداوند آن را نشانه ای ساخته است/ و سخنان وی، عاملانش (نظم دهندگان) را هدایت می کند (یا می درخشاند). این نوع متن و ترجمه آن متکی بر نقش موازی علائمی است که به ماه نیز در آیات بعد نسبت داده می شود. ادبیات تحریفی، برای خورشید نقش مهمی در برقراری گاهشماری قائل است (ر.ک. یوبیل ها).
 r- عبری: و ماه نیز در زمان های بازگشتش، خواهد درخشید (نسخه مسدا: زمان ها را هدایت خواهد کرد)/ تا بر دوران ها فرمان راند و نشانی ابدی باشد.
 s- طبق متن یونانی و سریانی؛ عبری، نسخه B: در آن ها، فصل ها و زمان های شرعی هستند. عبری، حاشیه نسخه B: در آن، فصل و از آن، تورات (یا: زمان های شرعی). عبری، نسخه مسدا: از آن، فصل و از آن، جشن. در زمان بن سیراخ تقویم رسمی دینی بر اساس گردش ماه پایه گذاری شده بود مانند تقویم فنیقی. دو جشن بزرگ گذر و خیمه ها در روز بدر ماه آغاز می شد (لاو ۲۳: ۵، ۳۴).
 t- در عبری [همانند فارسی] نام ماه (yérah) برای تعیین ماه های سال نیز به کار می رود. از طرف دیگر، نام دیگر ماه (ho-desh) به معنای «تازگی» است که دقیقاً برای ماه نو (هلال) که آغاز ماه است به کار می رود.
 u- عبری، نسخه B: در بازگشت خود چه تحسین برانگیز است.

ستارگان^۷

بار ۳:۳۴-۳۵^۹ زیبایی آسمان، شکوه ستارگان است،

زیورهای نورانی در بلندی های خداوند.

^{۱۰} به کلام قدوس، طبق فرمان وی خود را نگاه می دارند
و در شب زنده داری خود کاهلی نمی ورزند.

رنگین کمان

^{۱۱} رنگین کمان را بنگر و سازنده آن را متبارک بخوان^W،
حزق ۱:۲۸

در درخشش خویش بسیار زیباست.

^{۱۲} آسمان را به انحنایی از شکوه در برمی گیرد،
دست های باری تعالی آن را گرفته است.

پدیده های طبیعی

^{۱۳} به فرمانش برف را می باراند^X مز ۱۴۷:

و آذرخش را چون مجری داویش به شتاب وامی دارد. مز ۱۶-۱۷:

^{۱۴} برای همین است که انبارها باز می شوند^Y ایوب ۳۷:۶

و ابرها چون پرندگان به پرواز درمی آیند.

^{۱۵} در عظمت خود به ابرها قوت می دهد

که به صورت تگرگ تکه تکه شوند.

^{۱۷} الف صدای رعدش زمین را به حرکت وامی دارد. مز ۲۹:۸

^{۱۶} به دیدارش کوهستان ها به لرزش درمی آیند. مز ۲۹:۶

به اراده وی باد جنوب می وزد

^{۱۷} و نیز طوفان شمال و گردبادها.

بسان پرندگان که فرود می آیند برف می باراند

و چون ملخی که می نشیند، فرود می آید.

۷- در عبری آیات ۹-۱۰ از یک ستاره سخن می گویند. در اینجا می توان دید که مقایسه ای در مورد ماه یا درباره معرفی ونوس (زهره = ناهید)، ستاره بامدادی به کار رفته است. عبری، نسخه B: ۹ زیبایی آسمان و شکوه ستاره (یا: و شکوه [آسمان]، یک ستاره است) / و نور آن در بلندی های خدا می درخشد. ^{۱۰} به کلام خدا در جایگاه مقرر خود حاضر می شود/ و در شب زنده داری های خود کاهلی نمی ورزند (نسخه مسدا: شب زنده داری). عبری، نسخه مسدا ۹: ب: او زینت می بخشد (یا: بامدادان بر می خیزد) و بلندی های خدا را درخشان می سازد.

W- رنگین کمان نشان عهد بین خدا و سراسر زمین است (ر.ک. پید ۹:۱۲-۱۷).

X- آیات ۱۳-۱۷ الف در مورد طوفان و پدیده هایی همراه آن هستند. عبری، نسخه B: قدرت او آذرخش را ترسیم می کند؛ نسخه مسدا: سرزنش وی (... تگرگ) و نشان دهنده اشارات داوری است. طوفان (رعد و برق) یکی از نشانه های داوری است. ر.ک. مز ۱۸:۸-۱۶: مز ۲۹.

Y- خدا زرادخانه خود را که در آن آذرخش و دیگر بلاها را ذخیره کرده می گشاید، ر.ک. ۳۹:۲۸-۳۹.

- ۱۸ زیبایی سفیدی اش، دیدگان را خیره می سازد^Z
 و فرو افتادنش دل ها را شیفته می کند.
 ۱۹ چون نمک روی زمین یخ می باراند
 که شاخسارهای سرو، یخ می زند^a.
 ۲۰ باد سرد شمال می وزد
 و سطح آب یخ می زند.
 بر انبوه آب ها قرار می گیرد
 و آن را چون زرهی می پوشاند.
 ۲۱ بادی که کوهستان را می بلعد و صحرا را شعله ور می سازد
 و چون آتش گیاه را می سوزاند.
 ۲۲ علاج آن ابری است که ناگاه پیدا می شود،
 پس از باد سوزان، شبندی می آید که مایه شادی است.
 ۲۳ طبق مشیت خویش هاویه را آرام ساخته^b
 و جزایر را بر آن غرس نموده است.
 ۲۴ آنانی که بر دریا کشتی رانده اند^c، مخاطراتش^d را بازگو کرده اند،
 و به گوش هایمان اطمینان نمی کنیم^e.
 ۲۵ در آنجا اعمال عجیب و شگفت است،
 حیواناتی از هر نوع و نژاد هیولاهای دریایی^f.
 ۲۶ از طریق او پیام آورش به مقصود می رسد^g
 و با سخن او همه چیز انتظام می یابد^h.
 ۲۷ می توانیم بی آن که به انتها برسیم از همه چیز سخن بگوییم،
 اما نکته پایانی کلام ما: او همه چیز استⁱ.

ایوب ۳۷:۱۰-
 ۳۰-۲۹:۳۸

مز ۸۹:۱۰-
 ایوب ۷:۱۲-
 ۱۲:۴۶

مز ۱۰۷:
 ۲۷-۲۳

استر ۴۴:۲۶

Z- عبری: برمی گرداند.

a- عبری، نسخه B: و گل هائی چون یاقوت کبود می شکفاند؛ نسخه مسدا: و گل هائی چون خار می رویاند. به ترجمه ای دیگر:
 بلورهای نمک، به تبعیت از فنیقی ها به جای گل.

b- به نظر می رسد که در اینجا احتمالاً زمینه ای اسطوره شناسی وجود دارد: هاویه که به هیأت شخص درآمدت تحت سلطه خدا قرار
 می گیرد، ر.ک. مز ۱۰۴:۵-۹. در عبری، نظم بخشیدن نیز ترجمه شده است.

c- در دریا فرود آمده اند، اصطلاحی برای دریانوردان (ر.ک. اش ۴۲:۱۰؛ مز ۱۰۷:۲۳) که دریا را شیار می زنند و در آن
 شگفتی ها می یابند.

d- عبری: پابانش یعنی محدوده اش.

e- تحت اللفظی: آنچه گوش هایمان می شنود ما را متعجب می سازد.

f- عبری: قدرت هاویه، ر.ک. آیه ۲۳ توضیح و مز ۱۰۴:۲۵-۲۶.

g- یا: سفر خوب داشتن، ر.ک. مز ۱۰۷:۲۸-۳۰؛ حک ۱۴:۳-۵.

h- عبری: و با سخنانش اراده خود را اجرا می کند.

i- این اصطلاح که در ظاهر مبتنی بر ایده وحدت وجود (pantheism) است گاه به صورت یکی از پایه های عقیدتی رواقیون تا
 زمان کشف نسخ های قاهره در نظر گرفته می شد. اکنون معلوم شده که بخشی از نسخه عبری بوده که احتمالاً از منبعی رواقی
 اقتباس شده بود. این اصطلاح بیانگر دیدگاه بن سیراخ در قبال دنیای یونانی گرائی است که خود عاری از سابقه کهنه وحدت
 وجود می باشد. خدای بن سیراخ خدای قوم بنی اسرائیل، آفریننده هستی است (۱:۱۸؛ ۸:۲۴؛ ۲۱:۳۹؛ ۳۳:۴۳؛ ر.ک.

۲۸ قدرت تجلیل وی را از کجا می توان یافت؟

زیرا وی عظیم است و فراتر از همه اعمالش.

۲۹ خداوند مهیب است و بی نهایت عظیم،

و قدرتش شگفت انگیز.

۳۰ تا آنجا که توان دارید جلال خداوند را بسرائید،

وی را بستایید چون که وی همواره برتر از هر چیز است.

برای تمجید وی، نیروهایتان را مضاعف کنید

خسته نشوید زیرا تا به انتها نخواهید رسید.

۳۱ چه کسی وی را دیده؟ تا از او سخن گوید؟

چه کسی می تواند میزان جلال وی را بیان کند؟

۳۲ چه بسا چیزهای پنهان که بسیار بزرگ تر است،

زیرا ما اندکی از اعمال وی را می بینیم.

۳۳ خداوند است که همه چیز را آفریده

و به پرهیزکاران حکمت عطا فرموده است.

مز: ۹۶:۴
۳: ۱۴۵
۸: ۱

۱: ۱۸

۱۰-۹: ۱

در ستایش پدران^k

عبر ۱۱

۴۴^۱ به ستایش مردان نامدار^l بپردازیم،

به پدرانمان نسل اندر نسل^m.

۲ خداوند جلالی عظیم آفریده،

و عظمت وی تا ابد باقی استⁿ.

اش ۲۴: ۴۴)، خدای سراسر هستی (۱: ۳۶؛ ۲۳: ۴۵ عبری) که به واسطه اعمالش که فراتر از هر حدی است شناخته می شود (۲۸: ۴۳).

J- آموزه سنتی مبنی بر محال بودن دیدن خدا، خروج ۳۳: ۲۰؛ یو ۱: ۱۸؛ ۱- تیمو ۶: ۱۶؛ ۱- یو ۴: ۱۲. این آیه در نسخه عبری B وجود ندارد. دانستن این که آیا در نسخه مسدا وجود داشته یا خیر غیرممکن است.

k- این عنوان مربوط به نسخ عبری و یونانی است. حکمت و پرهیزکاری (۳۳: ۴۳؛ ۱: ۴۴) از ویژگی های مشترک اجداد است که بن سیراخ آن را می سراید. تاریخی که وی می نگارد تاریخ عهد نیست بلکه تاریخ حکمت در میان قوم خداست. در وصیت نامه متاتیاس (۱- مک ۲: ۵۱-۶۴) متن مختصری موازی با ستایش بن سیراخ از پدران یافت می شود.

l- عبری: مردان نیکو (ر.ک. ۱۰: ۴۴) یعنی پرهیزکاران (حسیدیم: بنسی ۳۳: ۴۳، ر.ک. حسیدیان، ۱- مک ۲: ۴۲؛ ۷: ۱۳). کار برد این اصطلاح در مورد افراد سرسپرده تورات، بن سیراخ را در زمره پیشینیان دور دست فریبیان و استیان قرار می دهد.

m- ترجمه این مصرع از متن عبری است. یونانی: پدرانمان در نسل.

n- متن یونانی زیاد رضایت بخش نیست. عبری B: کمال شکوه مندی سهم باری تعالی است/ و [آن] جاودانه عظمت وی

محسوب می شود، یا: و عظمت وی همیشه [باقی] است. مفهوم واژه ای که عظمت ترجمه شده محل تردید است و می توان این گونه نیز ترجمه کرد: و او از ازل سهم وی است که کاملاً در انطباق با قوم بنی اسرائیل می باشد. در حاشیه نسخه B و در

نسخه مسدا: باری تعالی سهمی از جلال کامل را به ایشان داده و ایشان تا ابد بزرگ هستند. از دید برخی، بن سیراخ قبل از هر چیز به بت پرستان نامدار نظر دارد (آیات ۲-۹) که باید یاد آن ها را گرمی داشت و حفظ نمود. برخی دیگر معتقدند که وی فقط بر اجداد قوم بنی اسرائیل نظر دارد.

۳ مردانی در قلمروهای خویش^o حکمرانی داشتند،
 به واسطه قدرتشان مردانی نام آور،
 و به خاطر هوشمندی شان مشاوران بودند،
 و اعلام کنندگان نبوت^pها.
 ۴ به واسطه مشورتشان راهنمایان قوم،
 هوشمندی شان در خدمت تعلیم قوم^q،
 و گفتارهای حکیمانه شان در آموزش ایشان^r.
 ۵ آنان آوازهای آهنگین ساختند
 و منظومه سرودند.

۶ مردانی ثروتمند و سیراب از قدرت بودند
 که در سرزمین های خود در آرامش می زیستند.
 ۷ همه این مردان در نسل های خود شکوه یافته بودند
 و به روزگار خود مایه افتخار.
 ۸ از میان آنان برخی نامی از خود باقی گذاشتند،
 نامی که می توان از آن به ستایش یاد کرد.
 ۹ هستند کسانی هم که خاطره ای از آنان وجود ندارد،
 آنچنان از بین رفته اند که گویی وجود نداشته اند،
 چنان شده اند که گوئی هرگز نبوده اند،
 پس از خودشان، فرزندان شان نیز.
 ۱۰ با وجود این نیکوکارانی بوده اند^s
 که کارهای نیکویشان فراموش نشده است.^t
 ۱۱ با فرزندان شان، اموال ایشان باقی مانده^u
 و میراث آنان به واسطه اولادشان ماندگار است.
 ۱۲ نوادگان شان به پیمان ها وفادار مانده اند^v

o- یا: به شیوه حکمرانی شان: یا: در دوران حکمرانی شان.

p- عبری: در نبوت خود بینندگان رویاهای جهانشمول.

q- عبری، نسخه B: به خاطر اندیشه ژرف شان شاهزادگان بودند؛ نسخه مسدا: فرمان هایشان.

r- عبری: به یمن آمادگی در کتابت، سخنوران. ذکر وظیفه کاتب لزوماً به معنای آن نیست که بن سیراخ از بنی اسرائیل صحبت می کند. کتابت و کاتب در مصر دوران فراعنه و نیز در بین النهرین دارای مقام خاص و معروفی بوده اند. عبری: مصرع چهارمی نیز می افزاید: و در وظایفشان حکام بودند، که این گونه نیز می توان ترجمه کرد: به یمن سنت شان مولفان ضرب المثل ها بودند.

s- ر.ک. ۱:۴۴ توضیح.

t- عبری: و آنچه آرزویش را دارند به پایان نمی رسد.

u- متن عبری، اموال را به ۱۱ الف متصل کرده اما متن یونانی آن را به صورت صفت به ۱۱ ب منتقل می کند: با ذریت آن ها پایدار ماند/ میراثی نیکو، فرزندان آنان.

v- تحت اللفظی: در عهد دوام آورده اند. این آیه که در مسدا وجود دارد در متن عبری، نسخه B از قلم افتاده است.

و فرزندان نشان به خاطر آنان.
 ۱۳ ذریت ایشان جاودانه بیاید
 و افتخارشان زائل نگردد.
 ۱۴ جسد‌هایشان در صلح به خاک سپرده شده
 و نامشان نسل اندر نسل بماند.
 ۱۵ ملت‌ها از حکمتشان یاد کنند^w
 و جماعت ستایش ایشان را اعلام کند.

۱۰:۳۹

خنوخ

۱۶ خنوخ^x پسند خداوند شد و منتقل گشت،
 مثالی از دگرگونی برای نسل‌ها^l.

پید ۲۴:۵
عبر ۵:۱۱

نوح

۱۷ نوح کامل و عادل یافت شد،
 به هنگام خشم، جوانه‌ای گشت^z
 و هنگامی که طوفان در رسید^a
 به خاطر وی بقیتی بر زمین باقی ماند.
 ۱۸ عهد‌های جاودانی با وی بسته شد،
 تا دیگر هیچ موجودی به طوفان هلاک نگردد.

پید ۹:۶

استر ۱۳:۶
۳-۲:۴
۱-بطر ۲۰:۳
۲-بطر ۵:۲

پید ۹:۹

ابراهیم

۱۹ ابراهیم بزرگ، جد ملل بی شمار،
 هیچ کس پیدا نشود که در شکوه با وی برابری کند^b.
 ۲۰ او تورات باری تعالی را رعایت نمود
 و با وی عهد بست^c،

پید ۱۷:۴-۶
روم ۲۵-۱:۴

w - عبری: جامعه تکرار خواهد کرد.
 x - اشاره دیگری به خنوخ در ۱۴:۴۹ دیده می‌شود. آنچه در اینجا آمده (عبری، نسخه B و تمام نسخ یونانی) احتمالاً از متون اضافه شده بعدی است.
 y - عبری، نسخه B: نشانی از علم. در ادبیات مکاشفه‌ای خنوخ مخترع خط و نجوم محسوب می‌شود (یوبیل ها ۱۷:۴)، وی صاحب معرفت بر رازهای طبیعی و ماوراءطبیعی است (ر.ک. کتاب خنوخ).
 z - تحت اللفظی: وی تبدیل به ریشه گردید (ر.ک. ۸:۴۸). وی بود که اجازه داد نژاد بشر دوام آورد و بارور شود.
 a - عبری: و به وسیله عهدش طوفان را بند آورد، ۱۸ به واسطه او با نشانی دائم مههور گردید. این نشان رنگین کمان است، ر.ک. یوبیل ها ۱۰:۶ که انعکاسی از پید ۹:۹-۱۷ است.
 b - زیگلر متن یونانی را این گونه تصحیح می‌کند: هیچ کس پیدا نشود که لکه‌ای بر شکوه و افتخار او بگذارد.
 c - ابراهیم مخنون می‌شود (پید ۱۷:۲۴) که نشانه قبول عهد با خداست (۱۷:۱۰).

عهد را در جسمش استوار کرد

و در تجربه وفادار یافت شد.

^{۲۱} به همین دلیل، خدا وی را به سوگند اطمینان داد

که ملت‌های [برخاسته] از ذریتش متبارک خواهند بود،

او را چون غبار زمین کثیر خواهد نمود^d،

ذریتش را چون ستارگان فزونی خواهد بخشید^e،

و میراث ایشان را وسعت خواهد داد

از دریا تا دریا

و از رود تا اقصای زمین^f.

پید ۱۸-۱:۲۲
۱-۲ مکا:۵۲
عبر ۱۹-۱۷:۱۱

پید ۳:۱۲
:۱۸:۱۸
:۱۸:۲۲
غلا ۸:۳
پید ۱۶:۱۳

پید ۵:۱۵

خروج ۳۱:۲۳
تث ۲۴-۲۳:۱۲

اسحاق

^{۲۲} به اسحق نیز همان اطمینان را داد^g،

به خاطر پدرش ابراهیم.

پید ۱۹:۱۷
تث ۲۴:۵-۳:۲۶

یعقوب

برکت همه انسان‌ها و عهد^h،

^{۲۳} آن‌ها را بر سر یعقوب قرار داد.

وی را در برکاتش تأیید کردⁱ

و سرزمینی به وی به میراث بخشید

تا سهم‌ها را تقسیم

و بین دوازده قبیله تسهیم کند.

پید ۱۵-۱۳:۲۸

d- این آیه و آیه بعدی که در متن سریانی هم وجود دارد در متن عبری نیست.
e- سریانی: و اولادش را بر ملت‌ها مسلط خواهد گردانید. این متن اشاره می‌کند که سرافرازی فرزندان ابراهیم فراتر از کثرت عددی قوم و تبار اوست.

f- دو دریا یکی بحر المیت و دیگری دریای مدیترانه است. رود مورد نظر فرات است. اقصای زمین بیشتر یادآور مز ۷۲:۸ و زک ۹:۱۰ است تا پید ۱۷:۲۲ یا ۱۸:۱۵.

g- عبری: و برای اسحق پسری (ابن) برانگیخت. در متن یونانی به جای ben به معنی پسر، ken به معنی «نیز همچین» خوانده شده و این در مورد حاشیه نویسی متن عبری نسخه B و احتمالاً متن سریانی صدق می‌کند.

h- عبری: عهد همه اجداد (تحت اللفظی: اولین) را به انجام رساند. در متون قمران هم از «عهد اولین‌ها» صحبت شده است: سند دمشق ۱-۳:۵-۲:۶).

i- احتمالاً برخی حواشی متن عبری حاوی متن اصلی هستند. در نسخه مسدا به جای برکات، ارشدیت در نظر گرفته شده است. شباهت بسیار زیاد دو کلمه brkh و bkrh احتمالاً باعث این ابهام و سردرگمی است. عنوان نخست‌زاده از آن یعقوب است (ر.ک. پید ۲۹:۲۵-۳۴:۲۷-۱۹:۳۳) زیرا همین عنوان تصاحب ارثیه را توجیه می‌کند. با وجود این پید ۲۷:۳۳ صراحتاً برکت مسروقه از سوی یعقوب را تأکید می‌کند.

موسی

از وی مردی نیکو ^j برکشید	
که در نظر همگان ^k التفات یافت،	
۱ محبوب خدا ^l و همه آدمیان شد،	۴۵
موسی که یادش پر برکت باد.	
۲ وی را جلالی چون جلال مقدسان ^m بخشید	
و او را با ترسی که در دشمنان القا می کرد بزرگی داد ⁿ .	
۳ به سخنانش شگفتی ها را متوقف نمود ^o ،	خروج ۷-۱۰
وی را در برابر پادشاهان شکوه بخشید ^p ،	
شریعت را به جهت قومش به وی بخشید	خروج ۲۴:۱۲؛
و چیزی از جلال خود را به وی نشان داد.	۱۶-۱۵:۳۲
۴ به خاطر وفاداری و نرمخوئی اش وی را تقدیس کرد،	خروج ۲۲:۳۳
و او را از میان همه موجودات برگزید.	عبر ۲:۳، ۵؛
۵ صدایش را به [گوش] وی رساند	اعد ۷:۱۲، ۳؛
و از میان ابر غلیظ رسوخ داد،	بنسی ۱:۲۷؛
قوانین را چهره به چهره به وی داد ^q ،	خروج ۱۹:۱۹
تورات زندگانی و هوشمندی،	خروج ۲۱:۲۰؛
برای تعلیم عهد ^r به یعقوب	۱۸:۲۴
و فرمان هایش به اسرائیل.	خروج ۳۳:۱۱
	تث ۱۶:۳۰
	۴۷:۳۲
	بنسی ۱۱:۱۷

هارون

۶ [خدا] هارون^s را برانگیخت، قدوسی مشابه موسی،
برادر او و از قبیله لای.

- ج- ر.ک. ۱:۴۴ توضیح. گاهی پیشنهاد می شود که دو آیه اولی که درباره موسی است به یوسف پسر یعقوب نسبت داده شود.
- k- تحت اللفظی: هر کسی.
- l- دوست خدا، خروج ۳۳:۱۱ یونانی. چه کسی وارث اشیاء الهی است؟ (فیلون ۱:۲۱). فیلون بارها موسی را دوست خدا می نامد. ر.ک. تمثیل هائی از تورات ۲:۸۸.
- m- تحت اللفظی: فرشتگان.
- n- عبری: وی را در بلندی ها قوت داد یعنی بر ارتفاعات سینا. در حاشیه نسخه عبری می خوانیم: با شگفتی های هراس انگیز.
- o- طبق نسخه عبری با تصحیح از روی نسخه یونانی: بند آورد، موقوف شد، بر طرف کرد، ر.ک. خروج ۸:۲۶، ۹:۳۳؛ ۱۸:۱۰.
- p- عبری: وی را در برابر پادشاه [فرعون] قوت داد.
- q- متن عبری محتاط تر از نسخه یونانی، صمیمیت موسی با خدا را بیان می کند: قوانین را در میان دست هایش نهاد.
- r- عبری: سفارش ها، توصیه ها.
- s- از میان کلیه اشخاصی که بن سیراخ نام می برد جایگاه هارون کاهن از همه بیشتر و مساوی جایگاه کاهن اعظم شمعون (باب ۵۰) است. کهانت کمابیش سایر نقش ها را تحت الشعاع خود قرار می دهد.

۷ وی را به عهدی دائم برقرار نمود
و کهنانت قوم را به وی بخشید.

وی را به جامه ای فاخر ملبس کرد^t
و رخت افتخار بر تنش پیچید.

خروج ۲۹:۹
اعد ۲۵:۱۳

۸ وی را به حشمت کامل درآورد
و به نشان قدرت بر سرش تاجی نهاد^u،
ردای بلند، سینه بند و ایفود^v.

۹ گرداگرد آن انارها،

زنگوله های زرین بی شمار به هر طرف
که با هر قدمش باید به صدا درمی آمد

خروج ۲۸:۶-
۳۱-۳۵، ۳۲

و چون یادبود برای پسران قوم خود^w
آهنگ آن ها در معبد شنیده می شد.

خروج ۲۸:
۳۵-۳۳

۱۰ وی را به لباسی مقدس از زر و یاقوت سرخ
و ارغوان حاشیه دوزی شده، عمل دست هنرمند،

با سینه بند داوری و با الهام راستی پوشاند^x،

خروج ۲۸:۵-۲

۱۱ به ارغوان بافته، کار دست هنرمند،

به سنگ های گرانبها تراشیده چون مهر،

خروج ۲۸:
۳۰-۱۵

به جواهرات نشاننده بر زر، کار دست جواهر ساز،
با نوشته ای کنده کاری شده به جهت یادبود،

برابر شمار قبایل اسرائیل؛

۱۲ تاجی از زر بر دستارش،

منقوش به نوشته های تقدس،

نشان افتخار، اثر قدرت،

لذت چشمان، به نهایت مزین.

خروج ۲۸:
۳۸-۳۶

۱۳ پیش از وی چیزی به این نیکویی دیده نشده بود،

هرگز بیگانه ای چنین ملبس نبوده

مگر تنها پسرانش

و نسلش تا به ابد.

۱۴ قربانی هایش تا به آخر سوخته می شوند،

t- عبری: و او (هارون) وی (خدا) را در شکوهش خدمت کرد.

u- عبری: تاج نهاد، estefanosen. متن لاتین با تصحیح فعل یونانی estereosen به فعل تقویت کردن می رسد.

v- عبری: روپوش.

w- چه به یادبود خدا به جهت قوم خود (ر.ک. خروج ۲۸:۱۲؛ اعدا ۳۱:۵۴) و چه به یادبود قوم برای خدا (ر.ک. اعدا ۱۷:۵).

x- منظور از الهام راستی، اوریم و تومیم است (ر.ک. خروج ۲۸:۳۰).

خروج ۲۹:۲۹

خروج ۲۹:
۳۸-۴۲
اعد ۲۸:۳-۸

دوبار در روز، به طور دائم.
 ۱۵ موسی برقراری این [رسم] را به وی تفویض نمود^{۱۵}،
 و او را به روغن مقدس مسح کرد.
 این برایش عهد دائمی بود،
 همچنین برای نسلش، تا روزی که آسمان برقرار است،
 به جهت خدمت و نیز اجرای کهنات
 و برای برکت دادن قوم خود به نام اعظم.
 ۱۶ وی را در میان همه زندگان برگزید
 تا قربانی های سوختنی، بخور و عطر یاد بود
 به جهت مراسم توبه قوم خود به خداوند تقدیم کند^Z.
 ۱۷ برای آموزش دستورهایش به یعقوب
 و منور ساختن اسرائیل به تورات،
 به وسیله قوانینش
 او را بر عهدها و فرمان ها^a قدرت بخشید.
 ۱۸ بیگانگان^b علیه وی برخاستند
 و در صحرا حسادت ورزیدند،
 مردان داتان و ابیرام
 و گروه قورح سراپا خشمگین.
 ۱۹ خداوند آن ها را دید و این را ناپسند آمد،
 آنان در حدت خشمش نابود شدند
 و او علیه آنان شگفتی ها آفرید،
 آن ها را به لهیب آتش خود سوزاند.
 ۲۰ باز بر شکوه هارون افزود
 و او را میراثی بخشید:
 سهم او را نوبر میوه ها مقرر داشت،
 و او را قبل از هر چیز به نان کافی مطمئن ساخت،
 ۲۱ زیرا ایشان قربانی های خداوند را تناول می کنند
 که به وی و همچنین به نسلش سپرده است.

خروج ۲۸:۴۱:
۲۹-۴:۹:
لاو ۸:۱۳-۱۳

اعد ۶:۲۷

لاو ۲:۹، ۱۶

لاو ۱۶:۱-۳۴

لاو ۱۰:۱۱:
تث ۳۳:۱۰

اعد ۱۲:۱۳-۱۸

لاو ۵:۹-۲۴

لاو ۹:۶-۱۱:
اعد ۸:۱۸-۱۹

Y- تحت اللفظی: دست ها را پر کرد، ر.ک. خروج ۲۹:۹.
 Z- انجام مراسم توبه (۱۶:۴۵) و کسب بخشایش (۲۳:۴۵) در عبری و یونانی هر دو از ریشه یک فعل هستند. در ترجمه حاضر
 برای تأکید بر متن مراسم ۱۶:۴۵ با دو واژه یادبود و تقدیم ترجمه شده است.
 a- تحت اللفظی: دستورات و توصیه های فرمان؛ عبری: احکام و مراسم. منظور قدرت قضائی اعمال شده از سوی کاهنان است
 (ر.ک. ۳۳:۳۸ که همین اصطلاح یونانی اما به صیغه مفرد است): تث ۱۷:۹؛ حزق ۲۳:۴۴-۲۴:۲۴؛ حجی ۲:۱۱؛ ملا ۲:۷.
 b- داتان، ابیرام، قورح و طرفداران آن ها، برای خاندان هارون بیگانه تلقی می شدند (اعد ۱:۱۶-۱۵:۱۷).

۲۲ در سرزمین قوم، تنها او میراث ندارد
و در میان قوم، اوست که برایش هیچ سهمی نباشد
زیرا سهم و میراث تو خود من هستم.

فینحاس

۲۳ فینحاس پسر الیعازز در شکوه سومین است^c
به جهت غیرتی که در ترس خداوند داشت
و برای ثبات و استواریش در هنگام شکست قوم
و برای شجاعت فراوان روحش:
که بخشایش را برای اسرائیل به دست آورد.

۲۴ برای همین در رحمت خود با وی پیمان صلح بست:
وی را رئیس قدس و قوم خود کرد،
تا ریاست کهنات برای همیشه
به وی و نسلش تعلق داشته باشد.

۲۵ همچنین با داود عهد بست^d،
پسری و از قبیله یهودا،
میراث پادشاه تنها به یکی از پسرانش می‌رسد
اما میراث هارون به همه ذریتش.
۲۶ خداوند در دل هایتان^e حکمت نهد
تا قومش را به عدالت داوری کنید،
تا سعادتش هرگز زایل نشود
و شکوهش در همه نسل‌ها بماند.

یوشع و کالیب

۴۶^۱ یوشع پسر نون جنگجوی شجاع بود
که در رسالت نبوتی جانشین موسی شد
و طبق توجیه نامش^f

c- فینحاس از نظر شکوه در مقام سوم است. چه بعد از پدر بزرگش هارون و پدرش الیعازز به پیروی از سنت کهنات، چه بعد از موسی و هارون که با فینحاس تشکیل دهنده کهنات سه‌گانه صحرا طبق ستایش بن سیراخ می‌باشند و چه پس از ابراهیم که احدی در شکوه و افتخار با وی برابر نیست (۱۹:۴۴) و موسی که شکوهش با فرشتگان برابر است (۲:۴۵). در دو حالت اول تعلق وی به طبقه کهنات، موجب شکوه وی است. در حالت سوم وفاداری وی (۴۵:۲۳؛ ر.ک. ابراهیم ۲۰:۴۴؛ موسی ۴:۴۵).
d- بن سیراخ بعداً در وصف داود (۲:۴۷-۱۱) و سلیمان (۱۲:۴۷-۲۲) به تفصیل خواهد گفت اما عهد هارون که دربرگیرنده همه اعقاب اوست از دید وی فراتر از عهد داود است.
e- نیایش به نیت اخلاف هارون.
f- یوشع یعنی «خداوند نجات می‌دهد». در آوانگاری یونانی عیسوس (Iésous) گفته می‌شود که همان عیسی (Jesus) است.

- برای نجات برگزیدگان خداوند از خود بزرگی نشان داد
و برای عقوبت دشمنان علیه آنان برخاست
تا اسرائیل را به میراثش برساند.
- ۲ چه شکوهی به دست آورد وقتی دست‌ها را بلند کرد
و به ضد شهرها شمشیر کشید!
- ۳ چه کسی پیش از او این چنین خود را استوار نشان داده بود^g؟
او بود که جنگ‌های خداوند را رهبری می‌کرد.
- ۴ آیا دست^h وی نبود که خورشید را از حرکت باز داشت
و یک روز تبدیل به دو روز شد؟
- ۵ وقتی دشمنان از هر سو فشار می‌آوردند
باری تعالی، قادر مطلق را به یاری طلبیدⁱ
و خداوند بزرگ وی را با بارش تند تگرگ‌ها مستجاب نمود.
- ۶ بر ملل متخاصم تاخت
و در موقع فرود آمدن دشمن را نابود کرد.^j
تا ملت‌ها بدانند که وی کاملاً مسلح^k است
و او جنگ را از سوی خداوند^l رهبری می‌کند.
زیرا از پی قادر متعال می‌رفت
- ۷ و به روزگار موسی وفاداری خود را نشان داد،
او و کالیب پسر یفونه،
با ایستادگی در برابر جماعت
قوم را از گناه برگرداندند
و زمزمه‌های بد را خاموش کردند.
- ۸ از میان ششصد هزار مرد پیاده
تنها آن دو نجات یافتند
- تا در سرزمینی که شیر و عسل در آن جاری بود
به میراث خویش رسند.

یوشع ۸: ۱۸-۲۶

خروج ۱۷: ۱۳

یوشع ۱۰: ۱۲-۱۴

۱۶: ۴۶

یوشع ۱۱: ۱۰

یوشع ۱۰: ۱۰-۱۱

اعد ۱۴: ۶-۱۰

اعد ۱۴: ۳۰

۱۰: ۱۶

g- عبری: چه کسی می‌توانست در برابر وی بایستد؟

h- تحت اللفظی: توسط وی. با دست وی. با دخالت وی.

i- نام الهی علیون (Elyôn) یعنی بسیار متعال که آفریننده آسمان‌ها و زمین و سرور کشورها و پناه همگان در هنگام خطر است، ۱۵ بار از ۶: ۳۹ به بعد تکرار می‌شود. بخش اول کتاب، عنوان خدا یا یهوه (YHWH) را به کار می‌برد که در یونانی به

کیریوس (Kyrios) یعنی خداوند ترجمه شده است.

j- تحت اللفظی: در سراسیمه، واقع در بیت حورون.

k- در آیه ۶ دوباره یوشع فاعل است. زرادخانه وی حاوی جنگ افزارهای روحانی است که باعث دخالت خود خداوند می‌شود.

l- یا: در حضور خدا. آبات سوم و چهارم آیه ۶ متن عبری: تا همه مردمان زیر حکم بدانند که خدا ناظر بر جنگ‌های آنان است.

۹ و خداوند به کالیب همت بخشید
 که تا هنگام پیریش با وی ماند،
 وی را با مشقت از بلندی های سرزمین^m بالا برد
 تا فرزندانش آن را به میراث حفظ کنند.
 ۱۰ تا همه فرزندان اسرائیل بنگرند
 که چه نیکوست از پی خداوند رفتن.

داوران

۱۱ داوران نیز هر یک بر حسب نام خویشⁿ،
 همه کسانی که دل خود را به هرزگی^o نکشیده اند
 و روی از خداوند برنگردانده اند،
 که یادشان متبارک باد!
 ۱۲ استخوان هایشان در قبرشان^p شکوفا شود
 و نامشان در پسران این مردان نامدار زنده بماند.

سموئیل

۱۳ سموئیل، محبوب خداوند خود،
 پیامبر خداوند که سلطنت را برقرار کرد^q
 و رؤسا را بر قومشان مسح نمود^r.
 ۱۴ با پیروی از تورات خداوند، جماعت را داوری کرد
 و خداوند به هواخواهی از یعقوب دخالت نمود.
 ۱۵ با وفاداریش خود را پیامبر راستین نشان داد
 و در کلام خویش رویا بین راستین شناخته شد.
 ۱۶ وقتی دشمنانش از هر سو فشار می آوردند
 باری تعالی، قادر مطلق را به یاری طلبید
 و بره ای شیرخواره تقدیم کرد.

m- منطقه کوهستانی حبرون که در مالکیت کالیب قرار گرفت: یوشع ۱۴:۱۳-۱۵.

n- تحت اللفظی: هر کس به اسم خویش، که می توان این گونه نیز ترجمه کرد: هر کس اسماً.

o- بت پرستی جزو هرزگی بود. ر.ک. ار. ۵:۷، هو. ۴:۷.

p- تحت اللفظی: مکان، جایگاه. آرزوی دمیدن حیات مجدد به استخوان های داوران (ر.ک. ۱۰:۴۹) بعدها می توانست به رستاخیز تعبیر شود اما فعلاً به نظر می رسد مربوط به نسلی باشد که در زمان بن سیراخ وفاداری داوران را از سر گیرند. این خط در متن عبری از قلم افتاده است.

q- عبری: محبوب قوم خود و مقبول آفریدگارش، / آن که از بطن مادر فرا خوانده شده بود، / وقف شده به خداوند برای وظیفه نبوت، / سموئیل داور و کاهن / که به فرمان خدا سلطنت را برقرار نمود.

r- پادشاهانی که سموئیل تدهین (مسح) کرد شائول (۱- سمو ۱۰:۱) و داود (۱- سمو ۱۶:۱۳) بودند.

۱- سمو: ۷-۹-۱۰

۵:۴۶

- ۱۷ خداوند از آسمان غرید
و با غوغائی عظیم صدایش را به گوش رسانید.
- ۱۸ روسای صوریان و همه شاهزادگان فلسطینی را نابود کرد^s.
- ۱۹ پیش از زمان خواب ابدی
در برابر خداوند و مسح شده وی شهادت داد:
«نه اموال و نه حتی چارق،
از هر کس که باشد چیزی نستانده ام»
و هیچ کس وی را متهم نکرد^t.
- ۲۰ حتی پس از خوابیدنش، نبوت کرد
و پایان خود را به پادشاه اعلام نمود،
از میان زمین صدایش را بلند کرد
تا به زبان نبوت بی انصافی قوم را بزاید^u.
- ۱- سمو: ۱۲-۱۵
- ۱- سمو: ۲۸-۲۵-۲۶

ناتان

- ۱ و پس از وی ناتان برخاست
تا به روزگار داود نبوت کند.
- ۲- سمو: ۷
:۱۷-۱
۱۵-۱:۱۲
- ۴۷

داود

- ۲ همان گونه که چربی از قربانی نجات^v برداشته می شود،
داود در میان بنی اسرائیل چنین بود.
- ۳ با شیران چنان بازی می کرد که گویی با بزغاله ها
و با خرس ها چون گوساله های جوان.
- ۴ آیا در جوانیش غولی را نکشته بود
و ننگ را از قوم برنداشته بود،
هنگامی که دستش را با سنگ فلاخن بالا برد
و گستاخی جلیات را درهم شکست؟
- ۵ زیرا وی باری تعالی، قادر مطلق را به یاری طلبید
که به [دست] راستش نیرو بخشد
تا قدرت مردی جنگاور را ریشه کن کند
- لاو: ۴-۸-۱۰
- ۱- سمو: ۱۷-۳۷-۳۴
- ۱- سمو: ۱۷-۵۴-۳۲

s- نابود کرد (ر.ک. ۷:۴۷)؛ عبری: مطیع گردانید (ر.ک. ۱- سمو: ۱۳). صوریان: مترجم واژه ζor (=صور) را به اشتباه به جای ζar (=دشمن) خوانده است.

t- عبری افزوده است: تا هنگام مرگش، در نظر خداوند و همه زندگان خردمند باقی ماند.

u- احتمالاً خبر شکست بنی اسرائیل و مرگ شائول، ۱- سمو: ۲۸:۱۹.

v- عبری: قربانی صلح.

و نیروی قوم^w خود را برافرازد.
^۶ شکوه ده هزاران^x را به وی تقدیم نمودند،
 و او را در^y برکات خداوند ستایش کردند،
 وی را تاج شکوهمندی بخشیدند.
^۷ زیرا دشمنان را به هر طرف از بین برد^z،
 دشمنان خود، فلسطینیان را نابود کرد
 و قدرت آنان را تا به امروز در هم شکست.
^۸ در تمام اعمالش و با سخنان ستایش آمیز^a خود
 قدوس، باری تعالی را کرنش کرد
 و با تمام دل خود سرودهای روحانی^b سرآید
 و به آفریدگار خویش عشق می ورزید^c.
^۹ گروه همسرایان در برابر قربانگاه برقرار کرد
 تا آهنگ های ملایم خود را به طنین درآوردند^d.
^{۱۰} به جشن ها شکوه و درخشندگی بخشید،
 شکوهی کامل از جاه و جلال^e،
 و ایشان را به ستایش نام قدوس خداوند واداشت
 و از بامداد، قدس را به طنین درآورد.
^{۱۱} خداوند گناهانش را برگرفت
 و قدرتش را جاودانه تداوم بخشید،
 به وی عهدی شاهانه
 و تخت شکوهمندی در اسرائیل عطا کرد.

۱- سمو ۱۸:۷

۲- سمو ۱:۳

۲- سمو ۸:۱۴

۲- سمو ۵:

۱۷-۲۵:

۱:۸:

۲۱-۱۵-۲۲:

۲- سمو ۲۳:۱

۱- تو ۱۶:۴-۷

۲- سمو ۱۲:۱۳

۴۵:۲۵:

۲- سمو ۷:

۱۱-۱۶:

مزم ۸۹:۲۹-۳۸

سلیمان

^{۱۲} پس از وی، پسری به غایت دانشمند برخاست
 که به یمن او، امنیت فرارسید^f.

- w- تحت اللفظی: شاخ قوم. شاخ، نماد قدرت است.
 x- عبری: همچنین دختران برای وی آواز خوانده اند/ و او را «ده هزار» نامیدند/. وقتی تاج خویش را راست نمود به نبرد پرداخت،/ دشمنان را به هر طرف مطیع ساخت/ و نزد فلسطینی ها شهرها ساخت.
 y- یا: برای.
 z- ر.ک. ۱۸:۴۶ توضیح.
 a- تحت اللفظی: شکوه و جلال. به خاطر فعالیت داود در امور نیایشی. یکی از نکات اصلی مورد توجه بن سیراخ همین است.
 b- منظور مزامیر است، ر.ک. ۲- سمو ۲۳:۱.
 c- متن لاتین می افزاید: و او را علیه دشمنانش قدرت داده بود.
 d- برخی نسخ یونانی می افزایند: و هر روز با سرودهایشان وی را می ستایند.
 e- یا: اوقات مقدس را به کمال فرمان داد.
 f- تحت اللفظی: فراخی. در فکر بن سیراخ، وسعت قلمرو سلیمان به نبوغ سیاسی داود مربوط نمی شود بلکه به حمایت الهی از پسر که نتیجه توجه خدا نسبت به پدر می باشد، ر.ک. آیه ۲۲.

- ۱۳ سلیمان به روزهای صلح سلطنت کرد
و خدا برایش از هر سو آرامش بدید آورد
تا سرانجام خانه ای برای نامش بنا کرد
و قدسی جاودانه آماده ساخت.
- ۱۴ زیرا به روزگار جوانی خود حکیم بودی،
چون رود، مملو از فراست.
- ۱۵ روح تو سراسر زمین را فراگرفت
و آن را از امثال و معماها پر ساختی.
- ۱۶ نام تو تا جزایر دور دست رسیده
و در صلحی^g که داشتی محبوب بودی.
- ۱۷ برای آوازه‌ها، امثال و ضرب‌المثل‌ها،
و برای تفسیرهای تمام جهان^h تو را تحسین می‌کردند.
- ۱۸ در نام خداوند خدا،
نام آن که او را خدای اسرائیل می‌خوانندⁱ،
زر را چون قلع انباشتی
- و چون سرب، نقره بر هم نهادی.
- ۱۹ کمرگهت را به زنان سپردی^j
و در جسمت بر تو مسلط گشتند.
- ۲۰ لکه ای بر افتخار خویش نهادی
و تبار خود را بست کردی،
بر فرزندان خود خشم جاری ساختی
و با جنون خود برایشان عذاب فراهم کردی^k.
- ۲۱ بدین ترتیب سلطنت به دو بخش تقسیم شد
و از افرایم قلمروی عاصی برخاست.
- ۲۲ اما خداوند از رحمت خویش باز نمی‌ایستد،
و هیچ یک از سخنان^lش را نابود نمی‌کند،
اولاد نژاد برگزیده اش^m را از بین نمی‌برد

۱- پاد ۴:۵،
۱۷-۱۹

۱- پاد ۶

۱- پاد ۳:۴-۲۸؛
۵:۹-۱۴؛
جا ۱:۱۶۱- پاد ۱۰:۱۰،
۲۷-۱۴، ۲۵

۱- پاد ۱۱:۸-۱۱

۱- پاد ۱۲

۲- سمو ۷؛
۱۵-۱۶؛
مز ۳۸-۳۴:۸۹

g- اشاره به نام سلیمان که دارای همان ریشه شالوم (سلام) است یعنی سلامتی، صلح، سعادت‌مندی، ر.ک. آیه ۱۳ الف.

h- تحت اللفظی: سرزمین‌ها.

i - عبری: توأم‌مغیودی که اسرائیل را بدان نام می‌برند، نامیده شده‌ای. احتمالاً اشاره به نام اولیه سلیمان، یدیدیا (Yedidya) یعنی «محبوب خداوند» [عزیزالله]، ر.ک. ۲- سمو ۱۲:۲۵.

j- تحت اللفظی: گستردی.

k- متن یونانی بین ضمیر تو و آن‌ها ابهام دارد. عبری: مصیبت بر فرش (بستر) تو یعنی بر تبار و فرزندان تو.

l- عبری: سخنان. یونانی: اعمال، آثار.

m- عبری: برگزیدگان.

و نسل آنانی را که به ایشان محبت دارد ریشه کن نمی سازد.
به یعقوب بقیتی داده است
و به داود ریشه ای برخاسته از او.

استر ۳:۴

رحبعام

۲۳ آنگاه سلیمان با پدراننش خفت،
و پس از خود، فردی از تبار خویش بر جای نهاد،
دیوانه ترین مرد قومⁿ، عاری از هوشمندی،
رحبعام که با رأی خویش قوم را به عصیان کشید.

۱- یاد ۱۲:
۱-۲۵

یربعام

یربعام^o پسر نباط، اسرائیل را به گناه کشاند
و بر افرایم راه گناه را گشود،
۲۴ گناهان ایشان چنان افزون شد
که ایشان را از سرزمینشان برکند.
۲۵ آنان در پی هر ظلمی برآمدند
تا آن که عقوبت بر ایشان فرارسید.

۱- یاد ۱۲:
۳۳-۲۶

۱- یاد ۱۳:
۳۴-۳۳
۲- یاد ۱۷:
۲۳-۲۱

ایلیا

۱ سپس ایلیای نبی چون آتش برخاست
و کلام وی چوم مشعلی می گذاخت.
۲ آنان را به قحطی دچار کرد^P
و به غیرتش از شمار آنان کاست.
۳ به کلام خداوند آسمان را بست
و همچنین سه بار، آتش را نازل کرد.
۴ ای ایلیا با شگفتی هایت چه افتخاری برای خود یافته ای^q!
چه کسی می تواند ادعا کند چون توست؟

۴۸

۱- یاد ۱۷:۱:
یع ۵:۱۷
۲- یاد ۱۹:
۱۴، ۱۰

۱- یاد ۱۸:۳۸:
۱- یاد ۱:
۱۲-۱۰

n- عبری: بزرگ در دیوانگی. صفت **rhb** یعنی بزرگ و اسم موصوف **am** یعنی قوم، مردم. به نظر می رسد در این جمله جناس لفظی با نام رحبعام وجود دارد که متاسفانه در ترجمه نمی توان کاری کرد.
o- در متن عبری نام یربعام که شرمنده ترین نام ها نزد همه بود، پیشاپیش این جمله قرار دارد: زمانی که برخاست هیچ خاطره ای از او باقی نماند.
p- عبری: قرص نان را برای آنان شکست (پاره کرد). متن یونانی این تصویر غیر قابل درک را در خارج از محیط اصلی خود منتقل کرده است.
q- عبری: ای ایلیا تو چه ترسناک بودی!

- ۱- یاد ۱۷: ۲۴-۱۷: ۲۴
 ۵ تو که مرده را از مرگ برخیزانندی
 و به کلام باری تعالی^F مرگ را متوقف کردی.
- ۱- یاد ۲۱: ۲۴-۱۷: ۱۷-۱۶: ۱- یاد ۲
 ۶ تو که پادشاهان را به ویرانی شتاب دادی
 و مردان بلند مرتبه را به بیرون از خوابگاهشان^S،
 ۷ تو که در سینا سرزنش‌ها شنیدی^t
 و در حوریب احکام عقوبت را،
 ۸ تو که پادشاهان^u را برای اجرای عدالت
 و انبیا را برای جانشینی خود مسح کردی^v،
 ۹ تو که با گردبادی از آتش
 ۲- یاد ۱۱: ۲
 بر گردونه‌ای با اسبان آتشین رپوده شدی^w،
 ۱۰ تو که در سرزنش‌های ایام آینده^x رقم زده شدی،
 برای فرو نشانیدن خشم پیش از غرش آن،
 برای گرداندن قلب پدر به سوی پسر^y،
 و برقراری مجدد قبایل یعقوب^z.
 ۱۱ خوشا به حال آنانی که تو را خواهند دید
 و آنانی که در محبت خواهند خفت!
 زیرا ما نیز به یقین زندگانی خواهیم کرد^a.

F- عبری: بر طبق اراده خداوند.

S- عبری: عصا یعنی قلمرو حکومت. اینجا در متن یونانی اشتباه لغوی پیش آمده است: به جای matteh (عصا) واژه mittah (خوابگاه) خوانده شده است.

t- ۱- یاد ۱۹: ۹-۱۸. خدا با گفتن این که هفت هزار نفر وفادار برایش باقی مانده، عکس گفته ایلیا را بیان می‌کند که فکر می‌کرد تنها او باقی مانده است و بدین ترتیب وی را صراحتاً مورد سرزنش قرار می‌دهد که نمی‌بایست دچار یأس می‌گردید.

u- عبری: ml به معنی مجری که مترجم یونانی و سریانی به اشتباه آن را mlk (ملک) یعنی پادشاه خوانده است.

v- عبری: (گرفتن) جایگزین خود کردی، ر.ک. ۱۷: ۴۴ ب. طبق فرمان خدا (۱- یاد ۱۹: ۱۵-۱۶)، ایلیا خزائیل پادشاه دمشق، بیهو پادشاه سامره و الیشع نبی را مسح کرد.

w- در بیان این جمله ظرافتی به کار رفته که مأخوذ از متن هفتادتنان در مورد خنوخ (پید ۵: ۲۴) و ایلیا (۲- یاد ۲: ۱۱) است و قصد آن بوده که باعث شگفتی طرز تفکر جهان یونانی نشود.

x- عبری: زیگلمر متن یونانی را از روی متن عبری تصحیح می‌کند: منظور از ایام احتمالاً دوران مسیحائی است و سرزنش یعنی آینده و تهدیدهای آن.

y- این عبارت از ملا ۳: ۲۴ اقتباس شده و لو ۱۷: ۱ آن را مجدداً عنوان کرده تا نشان دهد که یحیی تعمید دهنده نبوت درباره بازگشت ایلیا را تحقق بخشیده است.

z- اصل مطلب در ۶: ۴۹ اشعیا است. تمام این آیه بن سیراخ مؤید سنت یهود مبنی بر انتظار دوران مسیحائی توام با بازگشت ایلیا که به نزد خدا بالا رفت می‌باشد.

a- متن یونانی بیانگر امیدی آشکار درباره بقای حیات است: ر.ک. ۱۷: ۷ در اشاره به عقوبت‌های پس از مرگ. متن عبری بسیار ناقص است. متن سریانی می‌گوید: خوشا به حال آن که تو را دیده و بعد مرد: در حقیقت وی نبرده و یقیناً به زندگی ادامه خواهد داد (یا: ما به زندگانی ادامه خواهیم داد). به نظر می‌رسد منظور الیشع است که ایلیا را در حال عزیمت دید (۲- یاد ۲: ۱۰ و آیات بعد: مت ۱۷: ۱۰؛ مر ۹: ۱۱). در متن یونانی مشکل بتوان فهمید که منظور آیا کسانی است که ایلیا را دیده‌اند یا کسانی که بازگشت وی را خواهند دید زیرا فعل به کار رفته فاقد قید زمان است.

الیسع

۱۲ وقتی ایلیا در گردباد از نظر پنهان شد،

الیسع به روح وی لبریز گردید.

ایام وی دراز بود، هیچ رئیسی وی را نلرزاند

و هیچکس چیزی بر او تحمیل نکرد.

۱۳ هیچ چیز از توان او خارج نبود،

حتی در خواب مرگش، جسم او نبوت نمود^b.

۱۴ به هنگام حیانتش معجزات کرد،

حتی بعد از مرگش، اعمال وی شگفت‌انگیز بود.

۱۵ با وجود این همه، قوم توبه نکردند

و از گناهان‌شان دوری نجستند،

تا آن هنگام که برای اسارت به خارج از سرزمین‌شان برده شدند

و در همه سرزمین‌ها پراکنده گشتند.

از آنان جز قومی اندک باقی نماند^c

و رهبری از خاندان داود.

۱۶ از میان ایشان، برخی آنچه پسند خدا بود انجام دادند

اما دیگران بر گناهان افزودند.

حزقیا و اشعیا

۱۷ حزقیا شهر خود را استحکام بخشید

و آب به میان آن آورد،

با آهن صخره‌ها را شکافت

و آب انبارهایی بنا نمود.

۱۸ در ایام وی سنحاریب برآمد

و ریشاقی را فرستاد که او برفت^d

و در غرور متکبرانه اش به ضد صهیون دست دراز کرد.

۲-پاد ۹:۲-۱۵

۲-پاد ۳:

۱۳-۱۴:

۶-۱۲-۲۳

۲-پاد ۱۷:۲۳:

تث ۶۴-۶۳-۶۴

۲-توا ۳۲:۵

۲-پاد ۲۰:۲۰:

۲-توا ۳۲:۳۰

۲-پاد ۱۸:۱۳-

۱۹:۳۶:

استر ۳۶-۳۷

b- عبری: از زیر وی، جسمش خلق شد. چنانچه اصطلاح «زیر وی» به معنای قبر باشد (ر.ک. ۱۰:۴۹ ب) منظور متن یونانی شاید اشاره به رستاخیز مرده‌ای باشد که در قبر الیسع نهاده بودند (۲-پاد ۱۳:۲۰-۲۱). با وجود این می‌توان از رستاخیز کودکی که الیسع خود را بروی افکند یاد کرد (۲-پاد ۳۳:۳۷) و متن یونانی را چنین ترجمه نمود: حتی به هنگام خواب، جسمش نبوت نمود.

c- عبری: اما برای یهودا تعداد اندکی باقی ماند.

d- عبارت و او برفت در متن عبری و سریانی وجود ندارد و به جای آن آمده: و او برآمد. برخی نسخ یونانی می‌افزایند: از لایخیش. مترجم یونانی عنوان شغل آجودانی را نام خاص تصور کرده و به ریشاقی ترجمه نموده، ر.ک. ۲-پاد ۱۸:۱۷. در واقع یعنی: آجودان خود را فرستاد.

- ۱۹ آنگاه قلب‌ها و دست‌هایشان^e سست گردید
و مانند زنانی که درد زه می‌کشند به دردها دچار شدند.
- ۲۰ خداوند، خدای رحیم را به یاری طلبیدند،
دست‌های خود را به سوی او دراز کردند،
و آن قدوس بی‌درنگ از آسمان ایشان را اجابت کرد
و به دست‌های اشعیا آنان را رهانید.
- ۲۱ اردوگاه آشوریان را زد
و فرشته‌اش آنان را از میان برد^f.
- ۲۲ زیرا حزقیا آنچه مورد پسند خدا بود به عمل می‌آورد
و در راه‌های پدرش داود استوار بود^g
که اشعیای نبی به او توصیه می‌کرد،
او که رویاهای بزرگ و واقعی داشت.
- ۲۳ در آن روزها خورشید رو به عقب رفت
تا به عمر پادشاه بیفزاید.
- ۲۴ در الهامی قدرتمند پایان همه چیز را دید
و مصیبت زندگان صهیون را تسلی داد^h.
- ۲۵ تا ابدیت آینده را اعلام کرد
و چیزهای مخفی را پیش از آن که فرارسند.
- ۲- یاد ۱:۱۸-۷
- ۲- یاد ۲۰:۴-۱۱
آستر ۳۸-۸
- آستر ۲۴-۲۷

یوشیا

- ۱ یاد یوشیا آمیزه‌ای عطر آگین استⁱ
که به هنر عطار فراهم آمده.
- ۲ او بود که موفق به هدایت قوم^j شد
و کراهت‌های بی‌دینان^k را کفاره کرد.
قلبش را به سوی خداوند گردانید
و به روزگار بی‌دینان پرهیزکاری را تقویت کرد.
- ۲- یاد ۲۲-۲۳:
۲- توا ۳۴-۳۵

e- منظور حزقیا و اورشلیم است.
f- عبری: و آنان را با مصیبتی در هم ریخت. متن یونانی اشاره به اش ۳۶:۳۷ دارد.
g- جناس لفظی با نام حزقیا که به معنای «خدا استوار نمود» است.
h- اشاره به اش ۶۶:۴۰ که از دید بن سیراخ نویسنده بقیه کتاب هم اوست.
i- رک خروج ۳۰:۳۴ و آیات بعد. این مقایسه پرستشی، نشانگر احترامی است که بن سیراخ برای یوشیا قائل بوده است.
j- یا: موفق به گرواندن قوم گردید. عبری: زیرا از کفر ما به ستوه آمده بود.
k- یعنی عبادت خدایان دروغین، آن هنگام که اصلاحات را بر اساس تشبیه و ۲- یاد ۲۲-۲۳ مقرر گردانید.

آخرین پادشاهان یهودا؛ ارمیا

^۴ به غیز از داود، حزقیا و یوشیا،
همه به جز تقصیر کاری نکردند،
زیرا تورات خدای باری تعالی را ترک گفتند.
پادشاهان یهودیه ناپدید شدند^۱،
^۵ زیرا مجبور شدند قدرت خود را به دیگران واگذار کنند
و افتخارشان را به ملتی بیگانه^m.
^۶ دشمنان، شهر برگزیده را به آتش سوزانند،
شهری که در آن قدس واقع است
و کوچه هایش را به بیابان مبدل ساختند.
^۷ به خاطر ارمیاⁿ که آنان با وی بدرفتاری کرده بودند،
او که از رحم مادرش به نبوت مقرر شده بود
برای ریشه کنی، ویرانی و هلاک کردن،
و نیز برای بنا کردن و کاشتن^o.

۲-توا ۹:۲۵
ار ۱۳:۵۲

ار ۱۱:۱۹
۲۰-۱:۲۰
۳۷-۱۱:۱۶
۳۸-۴:۱۳
ار ۱:۵

حزقیال

حزق ۱

^۸ حزقیال بود که رویای آن جلال^p را دید،
که خدا برگردونه های کروبیان به او نشان داد^q.
^۹ زیرا دشمنان را در رگبار^r به یاد آورد،
و به کسانی که راه راست را ادامه می دهند نیکویی کرد.

l- عبری: تا وقتی که آنان ناپدید شدند: منظور بی وفایی همه پادشاهان یهودیه است. حتی آسا و یهوشافط که در ۲-توا قرب و منزلتی دارند در نظر بن سیراخ این گونه نیستند.

m- اصطلاح واگذار کردن قدرت در عبری و یونانی به همین معنی نیست. در عبری خدا فاعل آیه ۵ است که می گوید او ایشان را عقوبت نمود. طبق متن یونانی دلیل ویرانی بیان شده است: فقدان اعتماد پادشاهان نسبت به خدا به علت پیمان های آنان با ملل بیگانه.

n- یا: طبق نبوت ارمیا، تحت اللفظی: به دست ارمیا.

o- این نقل قول از ارا ۱۰:۱۰ از روی نسخه یونانی هفتادتنان، وجود آن را به هنگام ترجمه کتاب بن سیراخ تأیید می کند.

p- نسخه یونانی علاوه بر نوشته عبری، می افزاید: رویائی از جلال یعنی «از جلال» الهی (ر.ک. بنسی ۱۷:۱۳) یا «شکوهمند»، «پر جلال».

q- عبری: و او هر جانب گردونه را آشکار گردانید، ر.ک. حزق ۱ و ۱۰.

r- عبری و سریانی: و نیز نام ایوب را به یاد آورد که همه راه های عدالت را طی کرده بود، ر.ک. ۱۴:۱۴، ۲۰. مترجم نام ایوب را به اشتباه تلفظ کرده و آن را به جای Job (ایوب) oyeb (دشمن) خوانده است: شاید هم در اندیشه باران و طوفان سخت مذکور در حزق ۳۸:۲۲ بوده که از ابزارهای خشم خدا علیه قوم جوج بود.

انبیای کوچک

۱۰ اما در مورد دوازده نبی،
استخوان هایشان در قبرشان^s شکوفه زند!
زیرا یعقوب را تسلی^t دادند
و به وفای امید خود، آنان را باز خلاصی دادند.

زرو بابل و یوشع

۱۱ چگونه زرو بابل را تجلیل کنیم،
وی که چون خاتمی به دست راست بود^u.
۱۲ یا یوشع پسر یهوصاداق
که در ایام ایشان خانه^v را از نو ساخت،
قدسی تخصیص یافته برای خداوند
که به جهت شکوهی ابدی مقدر شده بود.

عز ۲:۳-
:۲:۵
حجی ۱-۲

نحمیا

۱۳ از نحمیا نیز خاطره ای بزرگ مانده است،
وی که دیوارهای فرو ریخته را برافراشت،
درها و بست ها را دوباره نصب کرد،
و مسکن های ما را از نو بساخت.

نح ۳-۴:۶

خنوخ

۱۴ هیچکس بر زمین چون خنوخ^w آفریده نشده است
زیرا او بود که از زمین برگرفته شد.

پید ۵:۲۴-
عبر ۱۱:۵

یوسف

۱۵ هیچ انسانی نیز چون یوسف نبوده است^x،
سرور برادران و تکیه گاه قومش،
که هنوز هم استخوان هایش را حرمت می نهند^y.

پید ۴۲-۴۷:
۵۰:۱۸-۲۱

S - تحت اللفظی: مکانشان، ر.ک. ۱۲:۴۶. بن سیراخ وجود مجموعه انبیای کتاب مقدس عبری را در دوران خود آشکار می گرداند.

t - عبری: شفا.

u - ارجاع صریح به حجی ۲:۲۳. خاتم یا مهر نماد اقتدار و صلاحیت است (پید ۴۱:۴۲).

v - یعنی معبد.

w - ذکر خنوخ قبلاً در ۱۶:۴۴ آمده است.

x - اکثر نسخ یونانی: زاده نشده است.

y - تحت اللفظی: زیارت، دیدار یعنی موضوع قابل توجه. او را حنوط کرده (پید ۵۰:۲۶) توسط موسی (خروج ۱۳:۱۹) از مصر

منتقل گردید (پید ۵۰:۲۵) و در شکیم به خاک سپرده شد (یوشع ۲۴:۳۲).

نخستین نیاکان

۱۶ سام و شیث^Z در میان انسان ها التفات یافتند
اما برتر از هر زنده ای در آفرینش آدم است.

شمعون کاهن اعظم^a

۵۰^۱ شمعون، پسر اونیاب^b، کاهن اعظم
که در طول زندگانش خانه را مرمت کرد^c
و در ایام خود قدس را استحکام بخشید.
او بود که زیر بنا را به ارتفاع دوپوش بالا آورد^d
و بنیان محوطه معبد را مرتفع ساخت.
در ایام وی آب انبار حفر شد^e،
حوضچه ای چنان وسیع^f که به دریا می مانست.
او که در فکر ممانعت از ویرانی قومش بود
شهر را در مقابل محاصره تقویت کرد.
با چه شکوهی می درخشید وقتی در قدس گردش می کرد^g،
و از پشت پرده خارج می شد^h!
چون ستاره بامدادی در میان ابرⁱ،

Z- عبری: سام، شیث و انوش را زیارت کرده اند/ اما برتر از هر موجودی شکوه آدم است. سریانی: شیث، سام و انوش از میان انسان ها آفریده شدند اما برتر از همه جلال آدم است. کاملاً روشن نیست که از نظر بن سیراخ شکوه برتر آدم چیست، شاید فقط بدین جهت که اولین مخلوق بوده و انحصاراً اثر آفریدگار است (ر.ک. لو. ۳:۳۸). به هر تقدیر وی در اینجا به عنوان جد بنی اسرائیل ظاهر می شود.

a- احتمالاً صحبت از شمعون دوم پسر اونیاب دوم و پدر اونیاب سوم است که آخرین کاهن اعظم از طبقه صدوقیان بوده است (یوسفوس، آثار باستانی یهود ۱۲:۴، ۱۰). شمعون مقارن سال ۹۵ درگذشت. تحسین و تمجیدی که بن سیراخ در حق وی می کند این فکر را به وجود می آورد که باید وی را به هنگام اجرای مراسم نیایش در معبد دیده باشد.

b- عبری: یوحنا. متنی که در یونانی با ۱۵:۴۹ ب مطابقت دارد در نسخه عبری پیش از ۱:۵۰ قرار دارد و در مورد شمعون می گوید: شمعون در میان برادرانش بزرگتر و شکوه قوم خود است.

c- معبد در لشکرکشی مصریان که نهایتاً منجر به عقب نشینی آنان در برابر آشوریان در پانیون (۱۹۸ ق.م) گردید آسیب دیده بود و به موجب فرمان آنتیوخوس سوم مرمت و بازسازی شد.

d- عبری: در ایام خود دیوار را بنا کرد،/ زوایای مسکونی (یا: پناهگاه) در کاخ (یا: قدس) پادشاه. متن عبری آیات ۲ و ۳ را جابه جا می کند. منظور از ارتفاع دوپوش روشن نیست. زیگلر آن را به حیاط یا صحن کاخ تصحیح می کند.

e- تحت اللفظی: داد که حفر کنند. یونانی از روی متن عبری تصحیح شده است.

f- عبری: وافر. در متن عبری ممکن است منظور هر دریائی باشد، اما در یونانی یعنی حوضچه وسیع یا دریای مفرغ که در معبد قرار داشت (۱- ۲۳:۷۱، ۲۶).

g- اکثر نسخ یونانی: وقتی قوم در اطرافش حلقه می زدند. عبری: وقتی از خیمه می نگریست.

h- تحت اللفظی: از سراپرده که منظور مقدس ترین مکان معبد یعنی قدس الاقداس است، خروج ۲۶:۳۱-۳۷. کاهن اعظم جز در عید بزرگ کفاره اجازه نداشت وارد این محل شود، لایوان ۱۶.

i- عبری و بسیاری از نسخ یونانی: ابرها.

چون ماه در شب کامل شدن خود^۱،
^۷ چون خورشید درخشان بر قدس باری تعالی^k،
 چون رنگین کمان رخشان در ابرهای جلال،
^۸ چون گل سرخ در بهاران^۱،
 چون نرگس کنار چشمه های آب^m،
 چون رستنی های لبنان به روزهای تابستان،
^۹ چون بخوری که در میجرⁿ می سوزد،
 چون ظرف بزرگ زرین
 مرصع به سنگ های گران بها،
^{۱۰} چون درخت زیتون پر از میوه ها،
 چون سرو برافراشته در ابرها^o،
^{۱۱} وقتی ردای افتخار در برمی کرد ۷:۴۵
 و زیورهای مجللش را بر خود می نهاد، ۸:۴۵
 وقتی به قربانگاه مقدس^p بالا می آمد،
 صحن قدس را سرشار از جلال می ساخت؛
^{۱۲} وقتی از دست های کاهنان سهم ها را می پذیرفت، لاو ۱۳:۹
 آنگاه که خود نزدیک کانون قربانگاه ایستاده بود،
 در میان حلقه ای از برادران،
 چون تنه درخت کاج بر لبنان،
 وی را چون تنه های نخل^q در برمی گرفتند؛
^{۱۳} همه پسران هارون در جلال و شکوهشان،
 با تقدیمی های خداوند در دستانشان،
 در حضور تمام جماعت اسرائیل؛
^{۱۴} مراسم نیایش را بر قربانگاهها به عمل می آورد
 و تقدیمی باری تعالی، قادر مطلق را می گذراند؛
^{۱۵} دست به سوی جام دراز می کرد

ج- ترجمه انجام گرفته منطبق با اکثر نسخ یونانی است. زیگلر از روی متن عبری چنین تصحیح می کند: چون ماه بدر به ایام جشن. عید گذر در شب چهارده ماه نیشان برگزار می شود، خروج ۱۲:۶؛ لاو ۲۳:۵؛ حرق ۴۵:۲۱ و جشن خیمه ها در ارتباط با شب چهاردهم در پائیز است، لاو ۲۳:۳۴.

k- عبری: بر کاخ (یا: قدس) پادشاه.

l- عبری: چون گل بر شاخه ها به روز جشن، یعنی در بهار.

m- عبری: جریان آب.

n- بر قربانی.

o- عبری: چو درخت روغنی که شاخه هایش لبریز است (از شیره نباتی).

p- عبری: شکوهمند.

q- عبری: بیدهای بستر رود.

اعد ۱۰:۲-۸

اعد ۱۰:۱۰

و خون رز را بر محراب می افشاند،
 آن را بر پایه قربانگاه می ریخت،
 عطری دلاویز برای باری تعالی، پادشاه کائنات^r.
^{۱۶} آنگاه پسران هارون فریاد برآورده
 در کرناهای خود که از فلز کوبیده بود می دمیدند
 و صدای عظیم یادبود را در برابر باری تعالی به گوش ها می رساندند.
^{۱۷} آنگاه تمام قوم همه با هم
 برای ستایش خداوند خویش،
 قادر مطلق، خدای متعال^s،
 به رو بر خاک می افتادند.
^{۱۸} و سرود خوانان وی را با صدای خود ستایش می کردند،
 با هیاهوی عظیم و آهنگ های مطبوع.
^{۱۹} و قوم به حضور خداوند متعال تضرع کرده
 در برابر رحمان در نیایش بودند
 تا وقتی که مراسم خداوند به پایان می رسید
 و آئین نیایش وی خاتمه می یافت^t.
^{۲۰} آنگاه به هنگام پایین آمدن،
 دست ها را بر همه جماعت بنی اسرائیل بلند کرده^u
 با لبانش برکت خداوند را نثار می کرد
 و با ذکر نام او^v خود را مفتخر می ساخت.
^{۲۱} و برای دریافت برکت از جانب باری تعالی
 بار دوم همه تعظیم می کردند.

تشویق

^{۲۲} و اکنون خدای کائنات^w را متبارک بخوان
 که در همه جا کارهای بزرگ کرده است،

r- تقدیمی های مشابه هدایای خونی روایت شده در لاویان، لاو: ۱؛ ۳؛ ۴؛ ۷؛ ۸؛ ۹، تقدیم شراب به همراه قربانی سوختنی دائمی (خروج: ۲۹: ۴۰؛ اعد: ۲۸: ۷)، قربانی آتشین و تقدیم نخستین خوشه ها (لاو: ۲۳: ۱۴) و همچنین هدایای گوناگون (اعد: ۱۵-۱۲) که در متن سریانی تأیید شده ولی در متن عبری وجود ندارد.

s- عبری: برای ستایش باری تعالی، قدوس اسرائیل. متن یونانی از مفهوم جهانی تری نسبت به متن عبری برخوردار است.

t- عبری: و او قربانی های مقرر را تقدیم می کرد. می توان این گونه نیز ترجمه کرد: (= به خدا) یا (= به قربانگاه).

u- طبق لاو: ۹: ۲۲ کاهن اعظم قوم را برکت می داده سپس از پله های قربانگاه پائین می آمد. در اعد: ۲۳: ۶-۲۷ عبارت مرسوم این تبرک بیان شده است.

v- در آن دوران، عید بزرگ کفاره تنها فرصتی بود که کاهن اعظم اجازه داشت نام خاص خدا را تلفظ نماید (میشنا، یوما، ۸: ۳؛ ۲: ۶).

w- عبری: خداوند، خدای اسرائیل، ر.ک. آیه ۱۷ توضیح.

روزهای ما^x را از رحم مادر به وجد درآورده
 و با ما برابر رحمتش رفتار کرده است.
 ۲۳ باشد که به دل ما شادی^y بخشد
 و به روزگار ما^z اسرائیل را
 تا به ابد^a صلح عطا فرماید!
 ۲۴ باشد که رحمت وی وفادارانه با ما^b بماند
 و ایام ما دراز باشد و رحمت وی ما را رهائی بخشد^c.

ملل منفور

۲۵ دو ملت هستند که روحم از آن‌ها نفرت دارد
 و سومین که ملت نیست:
 ۲۶ ساکنان کوهستان سعیر^d و فلسطینیان
 و قوم ابلهی که در شکیم ساکن است.

نتیجه

۲۷ تعلیمی از دانش و هوشمندی
 که عیسی بن سیراخ ابن الیعازر اورشلمی^e
 که حکمت چون باران از قلبش باریده
 در این کتاب حک کرده است.
 ۲۸ خوشا به حال آن که دائم به سراغ این سخنان آید!
 هر که آن را در قلب خود نشاند حکیم شود.
 ۲۹ زیرا اگر بدان عمل کند، برای همیشه قوی گردد،
 چون که ترس خداوند فرا راه او^f خواهد بود.

x- عبری: انسان.

y- عبری: حکمت.

z- عبری: در بین شما.

a- در اینجا قید زمان می‌تواند هم به گذشته و هم به آینده مربوط شود. این بند در زبان عبری وجود ندارد.

b- یا شمعون.

c- عبری: باشد که عهد فینحاس برای وی بپاید/ مانند روزهای آسمان، نه برای وی و نه برای فرزندانش گسسته نشود. متن عبری این نظر را القا می‌کند که این مطلب در زمان حیات شمعون نوشته شده و دلیل ندارد که در زمان مترجم بوده باشد زیرا تبارک‌هانتی صدوقیان با مرگ او نیای سوم گسسته شده بود. بدین ترتیب ۵۰:۱-۵ از شمعون در زمان گذشته صحبت می‌کند.

d- عبری و لاتین سعیر؛ یونانی: سامره. احتمالاً منظور سعیر و ادومیان است نه سامریان، زیرا سامریان بر حسب همین کتاب، قوم دیوانه شکیم محسوب شده‌اند.

e- عبری: شمعون، پسر عیسی، پسر الیعازر، پسر سیراخ. متن سریانی بر اساس متن یونانی است. ر.ک. پیشگفتار.

f- تحت اللفظی: رد پای او. برخی نسخ می‌افزایند: و به مردمان پرهیزکار حکمت عطا می‌کند، خداوند همواره متبارک باد آمین، آمین. متن عبری بسیار مختصر است: زیرا ترس خداوند، زندگانی است.

پیوست^gنیایش عیسی بن سیراخ^h

۵۱^۱ می خواهم تو را سپاس گویم، ای خداوند پادشاهⁱ،
و تو را ستایش کنم، ای خدای منجی من^j،

نام تو را سپاس می گویم،

۲ زیرا خود را محافظ و ملجاء من ساخته ای^k

و بدنم را از تباهی نجات داده ای^l،

از دام زبان افترا آمیز^m،

از لب های کسانی که دروغ می سازند.

۳ در مقابل خصمانم

تکیه گاه من شده ای و مرا رهائی داده ای،

بر حسب عظمت رحمتⁿ و بزرگی نامت^o،

از نیش^p کسانی که آماده دریدن من هستند،

از دست کسانی که قصد جان من دارند،

از تجربه های فراوانی که تحمل کرده ام،

۴ از خفقان دودی که مرا احاطه کرده،

از میان آتشی که من نیفروخته ام^q،

خروج ۲:۱۵

g- باب پنجاه و یکم پیوست کتابی است که اختصاصاً به کتاب بن سیراخ معروف است که در زبان اصلی و نیز در تمام نسخه ها تصریح شده است. در برخی نسخ و از جمله نسخه TOB این پیوست با دو مزمور تحت عناوین ذیل پایان می پذیرد: ۱- مزمور قاهره ۲- مزمور قمران که در ترجمه حاضر وجود ندارد.

h- این عنوان در نسخ یونانی وجود دارد. تحت این عنوان، سرود شکرگزاری به حضور خدا (آیات ۱-۱۲) می آید که نویسنده را از مخاطرات رنج و جفا و مصائب محفوظ داشته است: ر.ک. مز ۱۸:۱-۲؛ سمو ۲۲. سبک و واژه ها بسیار نزدیک به مزامیر هستند.

i- خدا پادشاه است: ر.ک. مز ۷:۴۷-۸؛ ۹۳:۱؛ ۹۷:۱؛ ۹۹:۱. گاه خدا با همین عنوان طلبیده شده است: مز ۳:۵؛ ۳:۴۴؛ ۵:۶۸؛ ۲۵:۶۸؛ ۷۴:۱۲؛ ۸۴:۴. عبری: خدای من، نجات من یا خدای نجات من، ر.ک. مز ۱۸:۴۷؛ ۵۱:۱۶؛ ۸۸:۲.

j- عبری: ای خدای پدر من، خروج ۲:۱۵.

k- متن عبری با متن یونانی به کلی متفاوت است: پناه زندگانی من، / زیرا تو روح مرا از مرگ رهائی داده ای، / تن مرا از قبر محفوظ داشته ای / و پای مرا از تنگنای وادی مردگان خلاص کرده ای، / تو مرا از افترای قوم برکنار داشته ای، / از مصیبت افترای زبان / و زبان کسانی که در دروغ گمراهند.

l- به معنی دقیق کلمه، با خطر مواجه شدن مرگبار است همان گونه که در آیات ۵، ۶، ۹ می بینیم. این تنها یک تصویر نیست.

m- دروغ و افترا از بلاهائی هستند که مرد عادل خواهان نجات از آن است: ر.ک. مز ۱۲:۳-۵؛ ۳۳:۶-۳؛ ۱۲۰:۲. در باره خطرات زبان ر.ک. ۲۸:۱۳-۲۶.

n- همانند بسیاری از مزامیر سپاسگزاری، رحمت خدا سرچشمه نجات است: ر.ک. مز ۵۱:۳؛ ۶۹:۱۴.

o- در متن عبری، و بزرگی نام تو، وجود ندارد.

p- زیگلر نیش (به یونانی brygmôn) را به آیه (به یونانی brochôn) تصحیح می کند که با متن عبری مطابقت دارد: از آیه کمین کنندگان گردنه. منظور از کسانی که آماده دریدن هستند (مز ۲۲:۱۴؛ ایوب ۱۹:۲۲). شاید افترا زندگان باشد: ر.ک.

دان ۳:۸ آنجا که به متهمان گفته شده که تکه پاره های یهودیان را خورده اند.

q- یعنی: درحالی که من کاملاً بی گناه بوده ام.

۵ از اعماق درونی وادی مردگان،
 از زبان ناپاک و سخن دروغ^T
 ۶ و از تیر^S زبان بی انصاف نجاتم داده ای.
 روح من مشرف به مرگ شد
 و زندگانیم در آن پایین نزدیک به وادی مردگان بود. اعد ۳۳:۱۶
 ۷ مرا از هر سو احاطه کرده اند^T و احدی برای استمداد نیست!^U
 در جستجوی یاوری در میان مردم می نگریستم و هیچکس برای کمک نبود.
 ۸ آنگاه خداوند^Z به یاد رحمت تو^V افتادم مز ۶:۲۵
 و احسان تو که همیشگی است،
 که منتظرین باوفای خود را نجات می بخشی^W.
 و آن ها را از دست دشمن رها نیدی.
 ۹ از زمین استغاثه خود را بلند کردم
 و برای محفوظ ماندن از مرگ نیایش نمودم^X.
 ۱۰ خداوند، پدر خداوند خود را به یاری طلبیدم:
 «در روزهای مصیبت مرا ترک مکن،
 به روزگار متکبران، هنگامی که من بدون مددکار هستم.
 ۱۱ همواره نام تو را حمد خواهم گفت
 و سرودهای ستایش خواهم خواند^V.»
 و نیایش من مستجاب شد،
 ۱۲ چون که مرا از نیستی رها نیدی
 و از ایام شریر رستگار نمودی.
 به همین دلیل می خواهم تو را سپاس گویم و ستایش کنم
 و نام خداوند^Z را متبارک بخوانم.

T- عبری: از لبان ربا کار و دروغ پردازان (ر.ک. ایوب ۴:۱۳).

S- طبق متن عبری. یونانی: از افترای زبان بی انصاف به پادشاه.

T- عبری: به هر سو می گشتم و هیچ کس نبود که مرا یاری دهد.

U- ر.ک. اش ۵۹:۱۶؛ ۶۳:۵؛ مز ۲۲:۱۲.

V- متن یونانی خدا را مستقیماً به صیغه دوم شخص خطاب می کند اما در عبری از وی با صیغه سوم شخص یاد می شود. یکی از اختصاصات فرد مؤمن به خداوند، یادآوری از رحمت وی و نیکی های اوست: ر.ک. خروج ۱۳:۳؛ تث ۳۲:۷؛ مز ۱۰۵:۵؛ ۷۷:۱۲؛ ۱۴۳:۵.

W- عبری: کسانی که در جستجو هستند در او پناه می گیرند. ر.ک. اش ۵۷:۱۳.

X- از اول خط دوم آیه ۹، متن عبری از متن یونانی دورتر می شود: ... و فریادم از درهای وادی مردگان/. ۱۰ گفتم: خداوند تو پدر من هستی،/ زیرا تو قهرمان نجات من هستی (یا: تو قدرت نجات دهنده من هستی)/. مرا در روزهای اضطراب ترک مکن/ به روزهای بدبختی و تلخی. متن یونانی آیه ۱۰ به این دلیل محل توجه بوده که شاید حاوی معنایی مسیحی بوده است. همین مشکل در مورد (متن یونانی) مز ۱۱۰:۱ نیز وجود دارد؛ ر.ک. مز ۷:۲. خدا را پدر نامیدن: ۱:۲۳ ر.ک. توضیح؛ حک ۱۴:۳. خدا را قهرمان نامیدن: تث ۱۰:۱۷؛ مز ۲۴:۸.

Y- از اول خط دوم، متن عبری فرق می کند: تو را در نیایش به یاد خواهم آورد/. آنگاه خداوند صدای مرا شنید/ و به استغاثه من گوش فرا داد/. ۱۲ مرا از هر بدی نجات داد/ مرا به روزگار تباهی خلاصی بخشید.

Z- متن عبری در اینجا به ذکر شکرگزاری می پردازد که در متن یونانی و سریانی وجود ندارد.

جستجوی پرشور حکمت^a:۱۸:۶
حک ۲:۸

۱۳ به هنگام جوانی، پیش از آن که به غربت روم^b،
 در نیایش های خود به روشنی در طلب حکمت^c بودم^d.
 ۱۴ در برابر معبد آن را می طلبیدم
 و تا به آخر در جستجویش خواهم بود.
 ۱۵ از گل آن، چون خوشه انگوری که به قرمزی می گراید
 قلبم را شادی فرا گرفت،
 پایم در راه راست قدم برداشت
 و از جوانی^e به دنبالش بودم.
 ۱۶ اندکی گوش فرا داشتم و حکمت را دریافت کردم
 و برای خود تعلیمی بزرگ یافتم.
 ۱۷ به یمن حکمت پیشرفت کردم^f،
 آن که مرا حکمت داده تجلیل خواهم کرد.
 ۱۸ زیرا مصمم بودم به انجامش رسانم،
 به جهت نیکوئی غیرت داشتم و پشیمان نخواهد شد.
 ۱۹ روحم در راه آن مبارزه کرده
 و تورات را با دقت رعایت کرده ام،
 دست هایم را به آسمان گشودم
 و در مورد آنچه از او نمی دانستم حسرت خوردم^g.
 ۲۰ روحم را به سوی حکمت راندم

a- این مزمور درباره جستجوی حکمت به صورت شعر موشح الفبائی تنظیم شده است (ر.ک. مز ۲۵:۳۷؛ ۱۱۹:۱؛ ۳۱). این ویژگی در قطعه عبری قمران و نیز در نیمه دوم ترجمه سریانی عیان است. این مزمور در نسخه عبری مرسوم به نسخه قاهره وجود دارد (نسخه B، آیات ۱۳-۳۰). بخشی از آن در طوماری از مزامیر قمران که در قمران، غار ۱۱ (آیات ۱۳-۳۰) کشف شده. متن یونانی بسیار به متن قمران نزدیک است در حالی که متن عبری قاهره به نظر می رسد برگردانی دقیق از متن عبری ترجمه شده از متن سریانی باشد. این متن کاملاً از متن یونانی و عبری قمران متفاوت است. علی رغم قرابت متون قمران و یونانی، در تعبیر محتوایی با هم تفاوت هائی دارند. شیوه بیان مزمور در متن، نشان می دهد که خود به طور مستقل وجود داشته اما بر ما روشن نیست که این متن در نسخه اصل کتاب بن سیراخ وجود داشته است یا خیر. متن یونانی تنظیم مزامیر قمران است. این متن بنا به گفته برخی مفسران به طرزى واقع گرایانه و با مفاهیمی دوگانه به محبت و حکمت و جستجوی آن تحت تصویر رابطه یک فرزند با دایه خود، سپس مردی جوان با یار خود است. ترجمه یونانی این جنبه را بیشتر پیراسته است. متن حاوی کوشش نویسنده در طلب حکمت است (۱۳-۲۲)، سپس دعوت می کند که از وی تعلیم یابند (۲۳-۳۰). این بخش مشابهاً زیادی با ۱۸:۶-۳۷ و ۲۴:۱-۳۴ دارد.

b- به غربت رفتن: این فعل به مسافرت های بن سیراخ اشاره دارد (ر.ک. ۳۴:۹-۱۲) اما ممکن است حاوی معنای دیگری نیز باشد از جمله آوارگی و خانه به دوشی. متن عبری قمران نیز دارای همین ابهام است.

c- طلب حکمت: ۲۷:۶؛ ۲۴:۳۴؛ ۳۳:۱۸؛ ۳۹:۱.

d- ر.ک. ۱-۳:۹. حکمت عطیه خدا و همچنین ثمره کوشش مداوم است، همان طور که سراسر این کتاب نیز نشان می دهد.

e- از عنفوان جوانیم: ۱۸:۶؛ ۲۳:۷.

f- از آغاز این آیه متن یونانی و متن قمران بیشتر از هم دور شوند. در عبری تصویر حکمت روزی رسان می تواند از امت ۳۰:۸-۳۱ اقتباس شده باشد در حالی که تصویر یار ممکن است مراد حکمت مادر یا همسر باشد، بنسی ۱۵:۲. مسیر اندیشه متن یونانی بر پیشرفت، ثمره کوشش مداوم توأم با نیایش متمرکز است.

g- تحت اللفظی: اشتباه از سر نادانی، ۲۳:۲؛ طو ۳:۳؛ عبر ۹:۷.

- و در پاکی^h آن را بازیافتیم.
 با حکمت از همان آغاز هوشمندیⁱ را به دست آوردم،
 به خاطر همین است که ترک نخواهم شد.^j
 ۲۱ اندرون من در طلبش در هیجان است،
 و نیز گنجی گران بها^k یافته ام.
 ۲۲ خداوند به پاداش مرا زبانی داده است
 که با آن وی را حمد بگویم.^l
 ۲۳ ای نادانان به سوی من آید
 و در مکتب من جای گیرید.^m
 ۲۴ چرا می گویی که از آن محروم هستی
 درحالی که روح این همه تشنه است؟ⁿ
 ۲۵ دهان گشوده ام و سخن گفته ام:
 آن را به رایگان بدست آرید.
 ۲۶ یوغ را بر گردن خود بپذیرید
 تا روحتان به آموزش دست یابد.^o
 ۲۷ با چشمان خود ببینید که چه کم رنج برده ام
 و برای خود راحتی عظیم یافته ام.
 ۲۸ حتی به بهای گزاف در آموزش سهمیم شو
 و با آن، چه بسیار زر به دست آوری.^p
 ۲۹ باشد که روح شما به رحمت خدا به وجد آید
 و مباد از ستایش وی شرمنده شوید.
 ۳۰ کارتان را پیش از زمان به انجام رسانید
 و او پاداش شما را به وقت خود خواهد داد.

۱۹:۲۴
مت ۲۸:۱۱

استر ۱:۵۵-۲
یو ۳۷:۷

استر ۱:۵۵
امت ۷-۵:۴
مت ۲۵-۲۴:۶
مت ۳۰-۲۹:۱۱
تث ۱۴-۱۱:۳۰
روم ۸:۱۰

۲۸:۶
۱۳:۲۲

امت ۱۶:۱۶
مت ۴۶-۴۴:۱۳



h- دو معنا می توان در نظر گرفت: با منزه داشتن خود، آن را یافتیم؛ یا: آن را در پاکبش یافتیم. یعنی در یک دوره مشروع ارتباط جنسی. در اینجا با توجه به کنایه حکمت - زن روبه رو هستیم که در آیه ۲۱ دنبال شده است.

i- تحت اللفظی: دل، وسیله ادراک.

j- حکمت نمی تواند کسی را که در جستجوی اوست ترک کند، ممکن است این نیز تداوم همان استعاره قبلی باشد.

k- گنج گرانها یا مال نیکو خود حکمت است. این مفهوم همانند ۲۴:۲۸ مجازی است.

l- یکی از مزایای حکمت فصاحت و سخنوری است، موهبتی برای نیایش خدا.

m- تحت اللفظی: در مکتب خانه من (به عبری: بیت میدراش) جایی ثابت بگیری (ر.ک. ۲۶:۱۴؛ ۲۴:۷). نخستین بار است که این واژه فنی دیده می شود و بعدها برای محل آموزش تورات به کار می رود، ر.ک. ۱۴:۳۲ توضیح.

n- تشنگی یعنی علاقمندی به کسب حکمت: ۲۴:۲۱؛ عا: ۱۱؛ گفتار پدران ۱:۴؛ باشد که خانه تو انجمن خردمندان گردد... و سخنانشان با ولع تمام نوشیده شود.

o- عبری، نسخه قاهره: او نزدیک کسانی است که در جستجوی وی هستند/ و هر کس روحش را با آن منطبق سازد آن را خواهد یافت.

p- این آیه به نظر می رسد با آیه ۲۵ متن عبری متناقض است، شاید از قلم افتاده باشد. با توجه به این که حکمت، فراتر از هر ثروتی است (۷:۸-۱۴) نویسنده می خواهد بگوید که کوشش در طلب آن ممکن است شبیه به ثروت اندوزی جالب توجهی باشد که بهره آن بالاتر از هر سود مورد انتظار است